

دین به عنوان نظام جامع معرفتی: تبیین دو حوزه‌ی علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی

نویسنده: معتصم محمودی (کارشناس ارشد روانشناسی بالینی)

چکیده

این مقاله به تحلیل دین به عنوان یک نظام جامع معرفتی پرداخته و تبیین می‌کند که دین از دو حوزه متمایز اما مکمل تشکیل شده است: علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی. در این پژوهش، ابتدا دین به عنوان یک مجموعه معرفتی تعریف می‌شود که دو منبع اصلی معرفت، یعنی وحی و عقل/تجربه، را در بر می‌گیرد. از سوی دیگر، ویژگی‌ها و کارکردهای هر یک از این دو حوزه بررسی می‌شود: علوم وحیانی که در قالب آموزه‌های دینی و متون مقدس قرار می‌گیرند، به هدایت انسان در ساحت معنوی و اخلاقی پرداخته و در مقابل، علوم انسانی-تجربی که از طریق عقل و تجربه به شناخت طبیعت و جامعه می‌پردازند، به تأمین نیازهای مادی و اجتماعی انسان کمک می‌کنند. مقاله به ارتباط و تعامل این دو حوزه در قالب یک سیستم منسجم می‌پردازد و بر این نکته تأکید دارد که علوم انسانی-تجربی و علوم وحیانی با هم می‌توانند نیازهای مادی و معنوی انسان را برآورده کنند و دین مجموعه‌ی کاملی از این دو حوزه است. همچنین، کارآمدی مدل دوحوزه‌ای دین در مواجهه با چالش‌های مدرن مانند اخلاق زیستی، مسائل زیست‌محیطی، و عدالت اجتماعی به عنوان یک نظام جامع معرفتی بررسی می‌شود. نهایتاً، مقاله به نقد دیدگاه‌های مخالف که دین را صرفاً وحیانی یا صرفاً انسانی می‌دانند، پرداخته و نشان می‌دهد که تفکیک مطلق این دو حوزه ناکارآمد است.

واژگان کلیدی

دین، علوم وحیانی، علوم انسانی، علوم تجربی، شناخت، تعامل دین و علم

مقدمه

دین به عنوان یک پدیده انسانی، همواره یکی از مسائل اساسی در تاریخ تفکر بشری بوده است. در طول قرون مختلف، نگاه‌های متفاوتی به دین و نقش آن در زندگی انسان‌ها ارائه شده است. در جوامع مختلف، دین نه تنها به عنوان یک مجموعه باورهای معنوی و اخلاقی، بلکه به عنوان یک نظام جامع معرفتی که به تمامی ابعاد زندگی انسان پاسخ می‌دهد، شناخته شده است. این نظام معرفتی، در بسیاری از متون دینی و فلسفی به ویژه در دین اسلام، از دو حوزه اصلی تشکیل می‌شود: علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی. این دو حوزه، با وجود تفاوت‌های بنیادین در منابع و روش‌ها، مکمل یکدیگر هستند و در راستای هدایت انسان به سوی کمالات معنوی، اخلاقی و مادی عمل می‌کنند.

علوم وحیانی که از منابع الهی مانند قرآن و سنت استخراج می‌شوند، به انسان‌ها پاسخ‌هایی در خصوص مسائل ماوراءالطبیعه، اخلاق، و هدایت روحی می‌دهند. این علوم، به ویژه در جوامع دینی، نقشی اساسی در شکل‌دهی به ارزش‌ها، قوانین و رفتارهای فردی و اجتماعی دارند. از سوی دیگر، علوم انسانی-تجربی که به واسطه عقل، تجربه و مشاهده به دست می‌آیند، به تحلیل و تبیین پدیده‌های طبیعی و اجتماعی می‌پردازند و انسان را در شناخت دقیق‌تری از جهان و جامعه یاری می‌کنند. این علوم، در دنیای مدرن، نقش کلیدی در پیشبرد علوم و فناوری‌ها ایفا می‌کنند و نیازهای مادی و اجتماعی انسان را پاسخ می‌دهند. (حامدی، 1398)

در این مقاله، تلاش می‌شود که دین به عنوان یک نظام جامع معرفتی معرفی شود که در آن، علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی نه تنها با یکدیگر در تعارض نیستند، بلکه به عنوان دو حوزه مکمل به یکدیگر کمک می‌کنند. در این راستا، به بررسی تعامل و هم‌افزایی این دو حوزه پرداخته خواهد شد و نشان داده می‌شود که چگونه دین می‌تواند پاسخ‌گوی تمامی ابعاد وجودی انسان باشد، هم در ساحت معنوی و اخلاقی و هم در عرصه‌های مادی و اجتماعی. این پژوهش به ویژه به چالش‌های مدرن در نگاه سکولار به علم و دین پاسخ خواهد داد و بر اهمیت نگاه جامع به دین در حل مشکلات انسان در دنیای امروز تأکید خواهد کرد.

بیان مسئله

در دنیای معاصر، با گسترش روزافزون علوم انسانی-تجربی و تأثیر آن بر زندگی فردی و اجتماعی، پرسش‌های بسیاری در مورد جایگاه دین و ارتباط آن با این علوم پدید آمده است. از یک سو، دین به‌عنوان یک نظام جامع معرفتی همواره مدعی ارائه پاسخ به نیازهای معنوی و مادی انسان بوده و منابع اصلی آن، شامل وحی، عقل و تجربه، نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت انسان‌ها ایفا کرده‌اند. از سوی دیگر، علوم انسانی-تجربی که بر مبنای روش‌های عقلانی و تجربی توسعه یافته‌اند، به‌عنوان ابزاری برای شناخت طبیعت، جامعه و رفتارهای انسانی شناخته می‌شوند. (باربور، ۱۹۹۷)

با وجود این، همواره چالش‌هایی در زمینه تعامل این دو حوزه وجود داشته است. برخی دیدگاه‌ها دین را صرفاً به قلمرو مسائل ماورایی محدود کرده و آن را از حوزه علوم تجربی و انسانی جدا دانسته‌اند. در مقابل، برخی دیگر علوم انسانی-تجربی را به‌طور کامل مستقل از هدایت و حیانی قلمداد کرده و آن را تنها در چارچوب عقلانیت و تجربه تبیین می‌کنند. این جداسازی، نه‌تنها به شکل‌گیری دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه درباره دین منجر شده، بلکه گاهی باعث بحران‌های معنوی و اخلاقی در جوامع مدرن نیز شده است.

سؤال اساسی این است که چگونه می‌توان رابطه‌ای هم‌افزا میان علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی برقرار کرد که در عین حفظ استقلال روش‌شناختی این دو، یک نظام جامع معرفتی ارائه دهد؟ دین در مقام یک نظام معرفتی چه نقشی در هدایت و معنابخشی به علوم انسانی-تجربی دارد؟ و آیا این تعامل می‌تواند پاسخی مناسب به چالش‌های اخلاقی، اجتماعی و معنوی دوران معاصر ارائه دهد؟

ضرورت پرداختن به این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که بحران‌های مدرن، نظیر بحران‌های زیست‌محیطی، معنوی، و اجتماعی، نیازمند رویکردی جامع و چندوجهی هستند که نه‌تنها به نیازهای مادی انسان پاسخ دهد، بلکه ارزش‌ها و اهداف کلان زندگی را نیز در نظر گیرد. از این رو، بررسی جایگاه دین و تعامل آن با علوم انسانی-تجربی می‌تواند افق‌های جدیدی برای حل این بحران‌ها فراهم سازد. (حامدی، ۱۳۸۶)

اهمیت و ضرورت پژوهش

در دوران معاصر، با گسترش گرایش‌های سکولار و تفکیک علم از دین، یکی از مهم‌ترین چالش‌های فکری جوامع بشری، تبیین رابطه دین به‌عنوان یک نظام جامع معرفتی با علوم انسانی-تجربی است. این مسئله از چهار جهت اهمیت و ضرورت ویژه‌ای پیدا می‌کند:

۱- چالش‌های نظری در فهم جایگاه وحی و علم:

از یک سو، برخی نظریات مدرن دین را صرفاً به حوزه امور ماورایی محدود کرده و نقش آن را در هدایت علوم انسانی-تجربی نادیده می‌گیرند. از سوی دیگر، برخی جریان‌های فکری علوم انسانی-تجربی را کاملاً مستقل از هدایت و حیانی می‌دانند و

معتقدند که عقل و تجربه، به تنهایی برای پاسخ به نیازهای انسانی کافی هستند. چنین دیدگاه‌هایی نه تنها باعث تضادهای نظری میان دین و علم شده و باعث ایجاد تعریفی نادرست از دین شده که تنها آن را در حوزه‌ی وحیانی بشناسند. بلکه در بسیاری از موارد این تعریف نادرست، کارآمدی دین در مواجهه با مسائل اجتماعی و انسانی را زیر سؤال برده است. بنابراین، تبیین دقیق رابطه دین با علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی و نشان دادن نقش جامع بودن دین که متشکل از این دو حوزه است، از ضرورت‌های نظری این پژوهش است.

۲- بحران‌های معنوی و اجتماعی در جوامع مدرن:

جوامع مدرن با بحران‌هایی همچون فردگرایی افراطی، ضعف در منابعی به زندگی، چالش‌های اخلاقی، و نابرابری‌های اجتماعی روبه‌رو هستند. علوم انسانی-تجربی به تنهایی قادر به حل این بحران‌ها نیستند، چرا که فاقد چارچوبی ارزشی و معنابخش برای هدایت انسان هستند. در این میان، دین به عنوان نظامی که هم به نیازهای مادی و هم به نیازهای معنوی انسان پاسخ می‌دهد، می‌تواند نقشی کلیدی در پر کردن این خلأ ایفا کند. این پژوهش می‌کوشد نشان دهد که چگونه علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی می‌توانند به عنوان بخش‌های مکمل، راه‌حل‌هایی جامع و معنادار برای این بحران‌ها ارائه دهند.

۳- ضرورت بازتعریف نظام معرفتی دین در مواجهه با مدرنیته:

مدرنیته با رویکرد سکولار و عقل‌گرای خود، دین و بالخصوص علوم وحیانی را از عرصه زندگی اجتماعی و علمی کنار زده است. بازتعریف دین به عنوان یک نظام معرفتی جامع که شامل علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی باشد، ضرورتی است که در این پژوهش دنبال می‌شود. این بازتعریف می‌تواند دین را نه تنها به عنوان یک منبع الهام معنوی و مادی برای مدیریت همه بخش‌های زندگی انسان معرفی کند.

۴- تقویت تمدن‌سازی اسلامی در عصر جدید:

در تمدن اسلامی گذشته، تعامل میان علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی، پیشرفت‌های چشمگیری را در زمینه‌های علمی، اخلاقی و اجتماعی به همراه داشت. اما هیچ‌گاه دین را در تعریفی مشخص متشکل از دو حوزه‌ی علوم وحیانی و علوم تجربی-انسانی معرفی نکرده‌اند. معرفی این رویکرد جدید و نوآورانه براساس عقل و قرآن و سنت در جهان امروز، می‌تواند الگویی مؤثر برای حل بحران‌های جهانی ارائه دهد و به بازسازی تمدن اسلامی کمک کند.

با توجه به این ابعاد، پژوهش حاضر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تلاش می‌کند به صورت دقیق و مستدل، جایگاه دین را در نظام معرفتی جهان معاصر بازتعریف کند و زمینه‌ساز تعامل مؤثر و سازنده میان علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی شود.

اهداف پژوهش

۱. هدف کلان:

بازتعریف دین به عنوان یک نظام جامع معرفتی که برنامه‌ای متشکل از دو حوزه‌ی علوم وحیانی و علوم تجربی-انسانی است که بتواند به نیازهای مادی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی انسان در جهان معاصر پاسخ دهد.

۲. اهداف جزئی:

تبیین جایگاه منابع معرفتی دین: بررسی وحی، عقل و تجربه به عنوان منابع معرفتی دین و چگونگی تعامل آن‌ها در ارائه یک نظام معرفتی جامع.

۳. بررسی ویژگی‌ها و کارکردهای علوم وحیانی:

شناسایی اهداف، ویژگی‌ها، و نقش علوم وحیانی در هدایت معنوی و اخلاقی فرد و جامعه.

۴. تحلیل ویژگی‌ها و کارکردهای علوم انسانی-تجربی:

بررسی اهداف و نقش این علوم در پاسخ به نیازهای مادی و اجتماعی و ارتباط آن با عقل و تجربه.

۵. تبیین تعامل علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی:

ارائه الگوهایی برای هم‌افزایی میان این دو حوزه به عنوان دو بخش مکمل نظام معرفتی دین.

۶. ارزیابی کارآمدی دین در حل بحران‌های معاصر:

بررسی نمونه‌های عینی مانند اخلاق زیستی (Bioethics)، عدالت اجتماعی، و مسائل زیست‌محیطی برای نشان دادن قابلیت دین در پاسخ به چالش‌های مدرن.

۷. شناسایی نقش گذشته دین در تمدن‌سازی:

تحلیل تعامل موفق علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی در تمدن اسلامی گذشته هرچند ناقص و امکان بازآفرینی این مدل به صورت کامل در شرایط امروز. (نصر، ۱۳۷۴)

پرسش‌های پژوهش

۱. پرسش اصلی:

دین چگونه می‌تواند به عنوان یک نظام جامع معرفتی، تعامل سازنده و هم‌افزایی میان علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی ایجاد کند؟

۲. پرسش‌های فرعی:

منابع معرفتی دین (وحی، عقل و تجربه) چه تعریفی دارند و چه جایگاهی در ادبیات دینی و فلسفی ایفا می‌کنند؟
 علوم و حیانی چه ویژگی‌ها و اهدافی دارند و چگونه در هدایت معنوی و اخلاقی جامعه نقش‌آفرینی می‌کنند؟
 علوم انسانی-تجربی چه نقشی در شناخت طبیعت، جامعه و پاسخ به نیازهای مادی انسان دارند؟
 چگونه می‌توان علوم انسانی-تجربی را با هدایت و حیانی به‌عنوان بخشی از یک نظام جامع معرفتی پیوند داد؟
 شواهد تاریخی تعامل علوم و حیانی و علوم انسانی-تجربی در تمدن اسلامی چیست و چه دستاوردهایی از این تعامل حاصل شده است؟
 دین چگونه می‌تواند به بحران‌های مدرن مانند اخلاق زیستی، عدالت اجتماعی، و مسائل زیست‌محیطی پاسخی معنادار و جامع ارائه دهد؟
 دیدگاه‌های مخالف تعامل میان علوم و حیانی و علوم انسانی-تجربی چه انتقاداتی را مطرح می‌کنند و چه پاسخی می‌توان به این انتقادات داد؟

دلایل اهمیت این اهداف و پرسش‌ها:

شفاف‌سازی مفهوم دین به‌عنوان یک نظام معرفتی.
 ارائه الگویی عملی برای تعامل میان حوزه‌های و حیانی و تجربی-انسانی.
 پاسخ به بحران‌های معنوی و اجتماعی که نیازمند رویکردهای جامع و مبتنی بر تخصص و ارزش‌های اخلاقی و دینی هستند.
 ایجاد بستری برای احیای تمدن اسلامی با استفاده از تلفیق علوم و حیانی و انسانی-تجربی. (حامدی، ۱۳۹۷)

مبانی نظری نظام معرفتی دین

تعریف دین به‌عنوان یک نظام معرفتی

دین را می‌توان به‌عنوان یک نظام معرفتی جامع در نظر گرفت که با بهره‌گیری از منابع گوناگون مانند وحی، عقل و تجربه، به ارائه تصویری کامل و معنادار از جهان، انسان و هدف آفرینش می‌پردازد. از این منظر، دین صرفاً یک مجموعه دستورات عبادی نیست، بلکه چارچوبی فکری و ارزشی است که:

- (الف) به پرسش‌های بنیادین درباره منشأ هستی، هدف زندگی، و غایت انسان پاسخ می‌دهد.
- (ب) مسیر زندگی انسان را بر اساس حقیقت و ارزش‌های اخلاقی و معنوی هدایت می‌کند.

ج) از طریق قوانین ثابت در جهان آفرینش که در حوزه‌ی علوم انسانی-تجربی به دنبال کشف و کاربرد آنها در زندگی بوده و آن را نیز به عنوان حوزه‌ی دیگر دین معرفی می‌کند. (بهشتی، ۱۳۹۷)

ویژگی‌های اصلی دین به عنوان یک نظام معرفتی:

- الف) جامعیت و فراگیری: دین تمامی ابعاد زندگی انسان (فردی، اجتماعی، مادی و معنوی) را پوشش می‌دهد.
- ب) تلفیق منابع معرفتی: دین میان وحی، عقل و تجربه پیوند برقرار کرده و از آن‌ها به عنوان ابزارهای مکمل در شناخت استفاده می‌کند.
- ج) تأکید بر هدف‌مندی: دین نه تنها به چیستی و چگونگی جهان پاسخ می‌دهد، بلکه به چرایی و هدف‌مندی آن نیز می‌پردازد. (سروش، ۱۳۹۴)

منابع معرفت در دین

منابع اصلی معرفت در دین شامل وحی، عقل و تجربه هستند که هر یک جایگاه ویژه‌ای در ساختار معرفتی دین دارند. این منابع به صورت هم‌افزا عمل کرده و تصویری جامع از حقیقت را ارائه می‌دهند. (سروش، ۱۳۹۴)

1. وحی:

شناخت الهی و مرتبط با غیب

وحی، منبعی است که مستقیماً از جانب خداوند نازل شده و به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای معرفت در دین محسوب می‌شود. وحی به مسائل فراتر از دسترس عقل و تجربه اشاره دارد و شامل اموری است که انسان به تنهایی قادر به درک آن‌ها نیست.

ویژگی‌های وحی:

متافیزیکی بودن: وحی حقایقی را آشکار می‌سازد که در قلمرو غیب قرار دارند و فراتر از دسترس حواس و تجربه‌اند.

هدایت‌گری: وحی برای هدایت انسان به سوی سعادت ابدی نازل می‌شود.

قطعیت و حجیت: پیام‌های وحی از خطا مصون هستند و دارای اعتبار مطلق‌اند.

محتوای وحی:

الف) جهان‌بینی توحیدی: وحی خداوند را به عنوان خالق و مدبر هستی معرفی می‌کند.

ب) ارزش‌های اخلاقی و معنوی: وحی اصول اخلاقی و معنوی را برای هدایت فرد و جامعه مشخص می‌سازد.

ج) تعالیم عملی: وحی شامل دستورات عملی است که زندگی دنیوی و اخروی انسان را سامان می‌دهند.

شواهد دینی:

در قرآن، وحی به‌عنوان منبع هدایت مطلق معرفی می‌شود:

"إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ" (اسراء: ۹)؛ قرآن هدایت‌گر انسان به مسیر درست است.

پیامبران نیز به‌عنوان واسطه‌های وحی، حقایقی را به انسان‌ها ابلاغ کرده‌اند که دسترسی به آن‌ها از طریق عقل و تجربه ممکن

نیست. (بهشتی، ۱۳۹۷)

۲. عقل و تجربه:

شناخت طبیعت و انسان

عقل

عقل یکی از مهم‌ترین ابزارهای معرفت در دین است که به انسان توانایی تفکر، استدلال و تحلیل داده‌ها را می‌دهد.

ویژگی‌های عقل:

الف) ابزاری برای فهم وحی: عقل می‌تواند مقدمات پذیرش وحی را فراهم کند و پیام‌های آن را تفسیر نماید.

ب) مکمل وحی: عقل و وحی با یکدیگر تضاد ندارند؛ بلکه عقل می‌تواند به تعمیق فهم انسان از وحی کمک کند.

ج) شناخت استقلالی: عقل، در شناخت بسیاری از مسائل (مانند علوم تجربی و انسانی) استقلال دارد.

شواهد قرآنی و روایی:

قرآن کریم بارها به تعقل و تفکر دعوت کرده است:

"أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ" (نساء: ۸۲)؛ آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟

"إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ" (رعد: ۳)؛ در این امور نشانه‌هایی است برای کسانی که تفکر می‌کنند. (گلشنی، ۱۳۹۵)

تجربه

تجربه، به معنای شناخت از طریق مشاهده و آزمون، یکی دیگر از منابع مهم معرفت است که به عنوان بخشی اسباب انسان در

دین برای شناخت و زندگی است.

ویژگی‌های تجربه:

الف) شناخت طبیعت: تجربه به انسان کمک می‌کند قوانین طبیعی را کشف کند و از آن‌ها در زندگی استفاده نماید.

ب) اعتبار نسبی: برخلاف وحی که قطعی و حجت است، تجربه در چارچوب آزمون‌پذیری قرار دارد و همواره می‌تواند تکمیل شود.

ج) کاربردهای عملی: تجربه مبنای بسیاری از پیشرفت‌های علمی و فناوری است.

شواهد دینی درباره تجربه:

قرآن کریم به مشاهده و مطالعه طبیعت توصیه می‌کند:

"فَانظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ" (انعام: ۹۹)؛ به میوه‌ها بنگرید که چگونه می‌رویند.

"سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا" (روم: ۴۲)؛ در زمین سیر کنید و بنگرید. (هات، ۲۰۰۴)

جایگاه این منابع در ادبیات دینی و فلسفی

در ادبیات دینی

قرآن و سنت، وحی و عقل و تجربه را به عنوان سه ابزار اصلی برای معرفت معرفی کرده است.

در منابع روایی، عقل به عنوان «حجت باطنی» و وحی به عنوان «حجت ظاهری» شناخته می‌شود.

در فلسفه اسلامی

ابن‌سینا: وی وحی را بالاترین منبع معرفت دانسته و عقل را بالترین ابزاری برای فهم آن معرفی می‌کند.

ملاصدرا: در حکمت متعالیه، تعامل میان وحی، عقل و تجربه را به صورت سیستمی تبیین کرده و آن‌ها را به عنوان منابعی

هم‌افزا معرفی می‌کند. (پارسانیا، ۱۴۰۰)

نگاه سیستماتیک به دین به عنوان یک نظام جامع معرفتی

۱- دین به عنوان یک سیستم منسجم شامل وحی، عقل و تجربه:

یک سیستم، مجموعه‌ای از اجزای مرتبط است که در کنار یکدیگر یک کلیت منسجم را شکل می‌دهند. اگر دین را یک نظام

جامع معرفتی بدانیم، باید ساختار و مؤلفه‌های آن را بررسی کنیم. (حامدی، ۱۳۹۷)

سه منبع اصلی در این نظام عبارت‌اند از:

وحی

وحی الهی، بنیادی‌ترین و اصیل‌ترین منبع معرفتی در دین است که شامل آموزه‌های الهی درباره‌ی حقیقت هستی، هدف زندگی، ارزش‌های اخلاقی و قوانین شرعی است.

عقل

عقل به‌عنوان ابزار استدلال و تفکر، نقش مهمی در فهم، تفسیر و توسعه‌ی معارف و حیانی و علمی به‌عنوان دو حوزه از دین ایفا می‌کند.

تجربه

تجربه‌ی بشری شامل مشاهدات علمی، اجتماعی و تاریخی است که به انسان کمک می‌کند تا قوانین طبیعت و جامعه را درک کرده و آن‌ها را با آموزه‌های دینی تطبیق دهد.

تعامل این سه منبع باعث می‌شود که:

وحی، ارزش‌ها و غایات کلی را مشخص کند.

عقل، مبانی و اصول و حیانی را تحلیل و استنباط کند.

تجربه، راه‌های عملی تحقق این اصول را در زندگی اجتماعی و علمی بررسی کند. (حامدی، ۱۳۹۷)

۲- تعامل و نقش این سه منبع در نظام معرفتی دین

در یک نگاه سیستماتیک، این سه منبع نه‌تنها مستقل از یکدیگر نیستند، بلکه باید در تعامل باشند تا معرفت دینی به‌درستی شکل بگیرد. (حامدی، ۱۳۸۶)

وحی، عقل و تجربه در کنار هم:

وحی به عقل جهت می‌دهد و از افتادن در خطاهای فکری جلوگیری می‌کند.

عقل وحی را تفسیر و تحلیل می‌کند و فهم انسان را از آن تعمیق می‌بخشد.

تجربه زمینه‌ی آزمون و تطبیق اصول و قوانین علوم تجربی_انسانی را در دنیای واقعی فراهم می‌آورد. (گلشنی، ۱۳۹۵)

نمونه‌های کاربردی تعامل این سه منبع:

در حوزه‌ی فقه و اجتهاد، وحی اصول کلی احکام را بیان می‌کند، اما عقل و تجربه در علوم تجربی_انسانی، تطبیق نظریه‌ها بر شرایط جدید و تحلیل نیازهای جامعه نقش دارند.

در علوم طبیعی، قرآن به تفکر در خلقت دعوت می‌کند، اما کشف قوانین علمی بر عهده‌ی تجربه‌ی بشری است و همین امر واحد بودن منبع و سرچشمه هر دو بخش را اثبات می‌کند.

در اخلاق و فلسفه‌ی سیاسی، وحی ارزش‌های بنیادین را تعیین می‌کند، اما عقل و تجربه با تکیه بر علوم انسانی، نحوه‌ی پیاده‌سازی آن‌ها را در جامعه بررسی می‌کنند و ارتباط این حوزه را اثبات می‌کند. (مظلومی، ۱۳۹۸)

3. دین به عنوان یک نظام پویا و پاسخگو به نیازهای بشری

اگر دین را تنها به وحی محدود کنیم، آن را به یک مجموعه‌ای از دستورات ثابت و غیرقابل تغییر تقلیل داده‌ایم. اما اگر آن را به عنوان یک نظام معرفتی پویا ببینیم، خواهیم دید که دین همواره قابلیت پاسخگویی به نیازهای جدید بشری را دارد. (حامدی، ۱۳۸۶)

ویژگی‌های پویایی دین در نگاه سیستماتیک:

الف) اجتهاد و بازخوانی مفاهیم دینی:

با کمک عقل و تجربه و مدد گرفتن از علوم تجربی-انسانی، معارف دینی در هر دوره‌ای بازنگری و متناسب با شرایط اجتماعی و علمی جدید تفسیر می‌شوند. البته بدون تغییر اصول و بنیادها.

ب) همگامی با پیشرفت علمی:

وحی و عقل راهنمای پژوهش علمی هستند و تعهد و تخصص را به دنبال دارند و نتایج علمی، فهم ما از دین را عمیق‌تر می‌کند.

ج) تعامل با فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف:

دین به عنوان یک نظام اجتماعی و متشکل از دو حوزه، نه تنها خود را از جامعه جدا نمی‌داند، بلکه در گفت‌وگو با فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، ظرفیت جذب حقایق و تطبیق با شرایط زمانه را دارد. (حامدی، ۱۳۹۷)

نمونه‌های عملی از پویایی دین:

در مواجهه با چالش‌های زیست‌محیطی، وحی به عنوان حوزه‌ای از دین، بر مسئولیت انسان نسبت به طبیعت تأکید دارد، اما راهکارهای عملی این مسئولیت را حوزه‌ی دیگر دین یعنی عقل و تجربه‌ی بشری ارائه می‌دهند.

در بحث حقوق بشر و عدالت اجتماعی، اصول کلی در وحی وجود دارند، اما شیوه‌ی تحقق عدالت در جوامع مختلف وابسته به عقل و تجربه است. (نصر، ۱۳۷۴)

علوم وحیانی: ویژگی‌ها و حوزه عملکرد

۱. تعریف علوم وحیانی و تفاوت آن با سایر علوم

علوم وحیانی به مجموعه‌ای از علوم اطلاق می‌شود که بر مبنای وحی (الهامات و راهنمایی‌های الهی) شکل می‌گیرند. این علوم در قرآن کریم و سنت نبوی به عنوان ابزارهایی برای هدایت انسان‌ها در عرصه‌های معنوی و اخلاقی مطرح شده‌اند. برخلاف علوم تجربی که از طریق مشاهده، آزمایش و تحلیل‌های عقلانی برای فهم دنیای مادی و طبیعی استفاده می‌کنند، علوم وحیانی بیشتر به شناخت‌های مربوط به عالم غیب، ماوراءالطبیعه، اصول اخلاقی و معنوی، و راهنمایی‌های الهی پرداخته و انسان را به سمت کمال و سعادت هدایت می‌کنند.

علوم وحیانی از آن جهت با سایر علوم تفاوت دارند که منابع معرفت در آن‌ها از طریق وحی است، نه از طریق عقل تجربی یا تحلیل‌های انسانی. در علوم وحیانی، تأکید بر دریافت هدایت از سوی خداوند است که شامل اصول و ارزش‌های اخلاقی، معنوی، و معارف الهی برای هدایت انسان‌ها است. (بهشتی، ۱۳۹۷)

۲. اهداف علوم وحیانی:

معنویت، اخلاق، شناخت ماوراءالطبیعه، بایدها و نبایدهای زندگی انسان.

هدف اصلی علوم وحیانی، هدایت انسان‌ها به سوی معنویت و کمال انسانی است. این علوم درصدد هستند تا انسان را از طریق وحی الهی به درک بالاتری از ماهیت هستی و وجود خداوند برسانند. از جمله اهداف دیگر این علوم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) معنویت:

علوم وحیانی انسان را به درک عمیق‌تری از وجود روحانی، معنویت و رابطه‌اش با خداوند رهنمون می‌سازد.

ب) اخلاق:

تربیت انسان بر اساس اصول اخلاقی که از وحی الهی استخراج می‌شود، یکی دیگر از اهداف مهم علوم وحیانی است. در قرآن و احادیث پیامبر، اصول اخلاقی برای رفتار صحیح انسان‌ها با یکدیگر و در رابطه با خداوند ذکر شده است.

ج) شناخت ماوراءالطبیعه:

علوم وحیانی به‌ویژه در زمینه‌های آخرت‌شناسی، وجود خداوند، فرشتگان و دیگر موجودات غیبی، انسان را به شناخت و آگاهی از واقعیت‌های ماوراءالطبیعه می‌رسانند. (حامدی، ۱۳۹۷)

۳. کارکردهای علوم وحیانی در هدایت فرد و جامعه

کارکردهای علوم وحیانی به دو بخش عمده تقسیم می‌شود:

الف) هدایت فردی:

در سطح فردی، این علوم به فرد کمک می‌کنند تا به کمال معنوی و اخلاقی برسد، تصمیمات درست اتخاذ کند، با بحران‌های روحی و روانی مواجه شود و در مسیر بندگی خداوند قرار گیرد. اصول اخلاقی که در وحی آمده است، به فرد کمک می‌کند تا همواره در راستای درست زندگی کند.

ب) هدایت اجتماعی:

از آنجا که دین تنها به فرد نمی‌پردازد، بلکه به‌طور گسترده‌تری بر جامعه تأثیر می‌گذارد، علوم وحیانی در سطح جامعه نیز نقش دارند. این علوم پایه‌گذار اصول اجتماعی و سیاسی در جوامع هستند که به برقراری عدالت، مساوات، رفاه اجتماعی و حمایت از اقشار ضعیف کمک می‌کنند. به‌ویژه قرآن کریم و سنت نبوی پایه‌گذار اصولی چون عدالت اجتماعی، حق‌طلبی و پاسداری از حقوق انسان‌ها در جوامع هستند. (باربور، ۱۹۹۷)

۴. شواهد قرآنی و تاریخی از اهمیت وحی در دین

در قرآن کریم و تاریخ تمدن اسلامی، نقش وحی در هدایت بشر به‌وضوح مطرح شده است. برخی از این شواهد عبارتند از:

الف) وحی به پیامبران:

قرآن به‌صراحت بیان می‌کند که وحی به پیامبران الهی ابزار اصلی برای هدایت مردم به سوی حقیقت بوده است. به‌عنوان نمونه، خداوند در آیه ۳۲ سوره شوری می‌فرماید: "وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا"، که نشان‌دهنده ارسال وحی به پیامبر اسلام (ص) است.

ب) وحی و معارف الهی:

بسیاری از مسائل مربوط به جهان‌بینی دینی، از جمله اعتقاد به آخرت، راه‌های رسیدن به کمال انسانی، و شناخت ویژگی‌های عالم غیب، از طریق وحی بیان شده است. قرآن به‌عنوان کتاب وحیانی، به تبیین این مسائل پرداخته و انسان‌ها را به سوی آن هدایت کرده است.

ج) تمدن اسلامی و نقش وحی:

در تاریخ تمدن اسلامی نیز مشاهده می‌کنیم که بسیاری از دستاوردهای علمی و فلسفی، بر مبنای اندیشه‌های وحیانی شکل گرفته‌اند. علما و فلاسفه مسلمان در جهت هماهنگی میان عقل و وحی تلاش کرده‌اند، و علوم وحیانی به‌ویژه در حیطه‌های اخلاقی و اجتماعی نقشی اساسی ایفا کرده است.

در مجموع، علوم وحیانی در دین به‌عنوان یک ابزار راهنمایی و هدایت به‌سوی حقیقت، اخلاق و سعادت در این جهان و آن جهان شناخته می‌شوند. این علوم نسبت به سایر علوم متمایز هستند چرا که مبنای آن‌ها وحی الهی است که اهداف معنوی، اخلاقی و ماورایی را دنبال می‌کند و به هدایت فرد و جامعه در ابعاد مختلف کمک می‌کند. (بهشتی، ۱۳۹۷)

علوم انسانی-تجربی: ویژگی‌ها و حوزه عملکرد

۱. تعریف علوم انسانی-تجربی و ارتباط آن با عقل و تجربه

علوم انسانی-تجربی مجموعه‌ای از دانش‌ها هستند که از طریق عقل و تجربه به بررسی و تحلیل پدیده‌های انسانی و اجتماعی می‌پردازند. این علوم به‌طور کلی شامل حوزه‌هایی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست‌شناسی، علوم تربیتی، و مطالعات فرهنگی هستند. ویژگی بارز این علوم این است که به استفاده از روش‌های عقلانی و تجربی برای فهم رفتار انسان‌ها، جوامع، و ساختارهای اجتماعی وابسته هستند.

عقل در این علوم به‌طور عمده در تحلیل‌ها، تئوری‌سازی‌ها، و تبیین‌های منطقی از پدیده‌های انسانی و اجتماعی به کار می‌رود. عقلانی بودن به معنای استفاده از استدلال‌ها و فرآیندهای منطقی برای درک داده‌ها و استخراج نتایج علمی است. تجربه در علوم انسانی-تجربی به مشاهده، آزمایش، و جمع‌آوری داده‌ها از طریق روش‌های میدانی و آزمایشگاهی اشاره دارد. به‌طور مثال، در روان‌شناسی، از آزمون‌های تجربی برای بررسی رفتار افراد و واکنش‌های روانی آن‌ها استفاده می‌شود. این علوم بیشتر به تحلیل دنیای ملموس و محسوس انسان‌ها و روابط اجتماعی آن‌ها می‌پردازند، و در واقع، هدف آن‌ها رسیدن به نتایج علمی و شواهدی است که بتواند بهبود شرایط اجتماعی و فردی را ممکن سازد. (دورانت، ۲۰۰۵)

۲. اهداف علوم انسانی-تجربی: تبیین طبیعت و جامعه

یکی از اهداف اصلی علوم انسانی-تجربی، تبیین و شناخت رفتارهای انسانی، ساختارهای اجتماعی، و فرآیندهای فرهنگی است. این علوم به دنبال فهم طبیعت انسانی و پدیده‌های اجتماعی از طریق ابزارهای عقلانی و تجربی هستند.

الف) شناخت طبیعت انسانی:

علوم انسانی به‌ویژه در حیطه‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی سعی دارند رفتار و واکنش‌های انسان را در شرایط مختلف بررسی کنند. این علم به درک بهتری از انگیزه‌ها، احساسات، افکار و ذهن انسان در شرایط گوناگون می‌پردازد. هدف این است که چگونه انسان‌ها در تعامل با یکدیگر و با محیط اطراف خود عمل می‌کنند.

ب) تحلیل ساختارهای اجتماعی:

در علوم اجتماعی مانند جامعه‌شناسی، هدف این است که جوامع و ساختارهای اجتماعی و نهادهای مختلف مانند خانواده، دولت، اقتصاد، و فرهنگ را تحلیل و بررسی کنیم. علوم انسانی به‌ویژه در این زمینه به بررسی روابط قدرت، نابرابری‌ها، و تغییرات اجتماعی می‌پردازند.

ج) تحلیل فرهنگ و هویت:

یکی دیگر از اهداف علوم انسانی، مطالعه و تجزیه و تحلیل فرهنگ و هویت انسانی است. این هدف شامل مطالعه و فهم ارزش‌ها، باورها، سنت‌ها، زبان‌ها، هنرها، و دیگر ویژگی‌های فرهنگی است که انسان‌ها را در جوامع مختلف از یکدیگر متمایز می‌کند. (دورانت، ۲۰۰۵)

۳. نقش علوم انسانی-تجربی در پاسخ به نیازهای مادی و اجتماعی

علوم انسانی-تجربی به‌طور مستقیم در پاسخ به نیازهای مادی و اجتماعی انسان‌ها تاثیر می‌گذارند و به حل مشکلات روزمره زندگی کمک می‌کنند. این علوم با استفاده از تحلیل‌های تجربی و عقلانی، راه‌حل‌هایی برای مسائل مختلف ارائه می‌دهند که می‌تواند زندگی فردی و اجتماعی را بهبود بخشد. به‌ویژه در دنیای معاصر، این علوم نقشی اساسی در رفع بحران‌ها و چالش‌های مختلف ایفا می‌کنند.

الف) پاسخ به نیازهای اجتماعی:

در حیطه علوم اجتماعی، این علوم به تحلیل مسائل اجتماعی مانند فقر، بی‌عدالتی، بیکاری، جرم و جنایت، و تفاوت‌های طبقاتی می‌پردازند. از طریق پژوهش‌های میدانی و داده‌های تجربی، تلاش می‌شود تا ریشه‌های این مشکلات شناسایی و راه‌حل‌هایی برای کاهش یا رفع آن‌ها پیشنهاد شود.

ب) پاسخ به نیازهای اقتصادی:

اقتصاد به عنوان یکی از شاخه‌های علوم انسانی-تجربی، به تحلیل و حل مسائل اقتصادی جوامع می‌پردازد. این علم از طریق مدل‌های اقتصادی و تحقیقات تجربی به درک بهتری از وضعیت اقتصادی کشورها، بازارها، بیکاری، تورم، و توزیع منابع می‌پردازد و به دنبال ارائه راه‌حل‌هایی برای بهبود شرایط اقتصادی است.

ج) پاسخ به نیازهای روان‌شناختی:

در حیطه روان‌شناسی، این علم به تحلیل و درمان مشکلات روانی، استرس، اضطراب، افسردگی، و دیگر اختلالات روانی می‌پردازد. روان‌شناسی از طریق پژوهش‌های تجربی و درمان‌های مبتنی بر شواهد، به افراد کمک می‌کند تا به بهبود وضعیت روحی و روانی خود دست یابند.

د) پاسخ به نیازهای تربیتی و آموزشی:

در علوم تربیتی، این علم به فرآیندهای آموزشی، یادگیری و پرورش نسل‌های آینده توجه دارد. تحلیل شیوه‌های تدریس و یادگیری در محیط‌های آموزشی، ارزیابی روش‌های مختلف آموزشی و بهبود روش‌های تربیتی از جمله اهداف این شاخه‌هاست. (هات، ۲۰۰۵)

۴. نگاه دین به علوم تجربی و انسانی در قرآن و سنت به عنوان حوزه‌ای دیگر از خود:

اسلام به طور کلی علم و پژوهش را بسیار ارجمند می‌داند و در قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص)، استفاده از عقل و تفکر در مسائل مختلف دنیوی و دینی تأکید شده است.

ما ما پارا از آن فرتر نهاده و ادعا و اثبات کرده‌ایم که علوم تجربی-انسانی بخشی دیگر از دین است و تنها از ارج و قرب این حوزه نزد دین نمی‌گوییم.

دین اسلام هیچ‌گونه تضادی میان علوم تجربی و وحی قائل نیست و بر این باور است که هر دو می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. در واقع، اسلام به وسیله قرآن و سنت به انسان‌ها دستور می‌دهد تا از علم و عقل در جهت فهم بهتر عالم طبیعت و همچنین کشف حقایق معنوی و اخلاقی استفاده کنند و هر دو را بخش از کلی واحد به اسم دین می‌دانند.

الف) تأکید قرآن بر تفکر و استفاده از عقل

قرآن کریم در آیات مختلف، انسان‌ها را به استفاده از عقل و تدبر در پدیده‌های طبیعی و جهان هستی دعوت می‌کند. برخی از این آیات به صراحت از اهمیت تفکر در خلقت خداوند و پدیده‌های طبیعی صحبت می‌کنند. در این آیات، تأکید بر تحقیق و تفکر به عنوان ابزاری برای شناخت حقیقت و دستیابی به علم آمده است.

آیه ۱۹۰ سوره آل عمران: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ»

«بی‌گمان در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در تغییر و تحول شب و روز، نشانه‌هایی است برای صاحبان عقل و اندیشه.»

این آیه از قرآن، انسان‌ها را به تفکر در آفرینش طبیعت و پدیده‌های کیهانی دعوت می‌کند. توجه به این پدیده‌ها و بررسی‌های علمی در واقع نوعی از پژوهش تجربی است که قرآن از آن حمایت می‌کند.

آیه ۲۱ سوره غاشیه: «فَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»

«آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ یا بر دل‌هایشان قفل‌هایی است؟»

در این آیه، قرآن به انسان‌ها توصیه می‌کند که در آیات الهی تدبیر کنند. این تدبیر به معنای تفکر عقلانی و تحقیقی است که در تمامی عرصه‌ها، از جمله علم، مورد تأکید قرار گرفته است.

آیه ۱۱۵ سوره انعام: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»

«بگو حقیقت آمد و باطل نابود شد، چرا که باطل همواره نابودشدنی است.»

این آیه بیانگر این است که حقیقت با گذر زمان روشن می‌شود و این به معنای پویایی علم است. علم، حقیقتی است که در پی کاوش و تحقیق، آشکار می‌شود و این روند همان چیزی است که قرآن از آن حمایت می‌کند.

ب) پیام‌های پیامبر اسلام (ص) در مورد علم

در سنت پیامبر اسلام (ص)، علاوه بر تأکید بر علوم وحیانی، جستجو و کسب علم در تمام حوزه‌ها نیز بسیار توصیه شده است. پیامبر اسلام (ص) در بسیاری از احادیث خود از علم به معنای عام و شامل هر دو حوزه به‌عنوان یکی از واجبات برای مسلمانان یاد کرده است.

حدیث پیامبر (ص): «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ»

«کسب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.»

این حدیث به‌وضوح نشان می‌دهد که علم، اعم از علمی که به درک دنیای مادی (علوم تجربی) کمک کند یا علمی که انسان را به حقیقت معنوی و دینی رهنمون سازد، به‌عنوان یک فریضه اسلامی معرفی شده است. بنابراین، علم‌ورزی در تمامی ابعاد زندگی، از دیدگاه اسلام امری ضروری است.

حدیث پیامبر (ص): «مَنْ خَرَجَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ»

«هر کس در جستجوی علم باشد، در راه خداست تا زمانی که بازگردد.»

این حدیث نیز تأکید می‌کند که طلب علم، نه تنها در زمینه‌های وحیانی بلکه در تمامی عرصه‌های علمی و تجربی، مورد حمایت و تشویق قرار دارد و مسلمان با حرکت در هر دو حوزه در عمل دیندار است.

ج) نگاه اسلام به علوم تجربی

اسلام به طور خاص هیچ گونه تضادی میان علم وحیانی و علم تجربی نمی بیند. در حقیقت، علوم تجربی می توانند به انسان ها کمک کنند تا به درک عمیق تری از آفرینش خداوند برسند و در شناخت جهان و طبیعت، به درک درست و منطقی دست یابند.

آیه ۳۲ سوره نحل: «وَيُخَيِّبُ الَّذِينَ آمَنَتْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

«او همان کسی است که مرده را زنده می کند و بر هر چیزی توانمند است.»

این آیه اشاره به قدرت خداوند در ایجاد و تدبیر عالم دارد و در عین حال انسان ها را به تفکر و تحقیق در مورد نحوه آفرینش و حیات دعوت می کند. علم پزشکی، زیست شناسی و سایر علوم طبیعی می توانند در فهم عمیق تر این آیات و درک خلقت کمک کنند.

آیه ۹۶ سوره علق: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۱) اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۲) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۳) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»

«خداوند انسان را از خون بسته آفرید (۱) بخوان، و پروردگار تو کریم است (۲) کسی که با قلم تعلیم داد (۳) به انسان آنچه را که نمی دانست آموزش داد.»

این آیات از سوره علق، نخستین آیات نازل شده بر پیامبر اسلام، به علم و آموزش اشاره دارند و بر اهمیت تعلیم و تعلم تأکید دارند. این امر نشان می دهد که علم، به ویژه علم تجربی که انسان را به شناخت بهتر از خود و طبیعت رهنمون می کند، در اسلام جایگاه ویژه ای دارد. (حامدی، ۱۳۹۷)

رابطه علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی در دین

۱- تعامل این دو حوزه به عنوان بخش های مکمل

در اسلام، علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی به عنوان دو بخش مستقل از یکدیگر دیده نمی شوند، بلکه هر کدام در تکمیل و هدایت دیگری عمل می کنند. علوم وحیانی (مانند قرآن و حدیث) در اصل، اصول اخلاقی، معنوی، و معرفتی را برای انسان ها فراهم می کنند، در حالی که علوم انسانی-تجربی به فهم طبیعت، رفتار انسان، و ساختارهای اجتماعی می پردازند.

این دو حوزه در تعامل با یکدیگر می توانند به انسان کمک کنند که هم از جنبه معنوی و هم از جنبه مادی به کمال برسد. در واقع، علم دینی به عنوان یک چارچوب اخلاقی و معنوی به علوم تجربی کمک می کند تا نتایج علمی در خدمت خیر بشر و اهداف الهی قرار گیرد.

نمونه ای از تعامل علوم وحیانی و علوم تجربی:

در زمینه پزشکی، علم پزشکی می‌تواند با استفاده از تجربه و آزمایش‌ها به درمان بیماری‌ها کمک کند، اما وحی و آموزه‌های دینی نیز می‌توانند در زمینه‌های اخلاقی، مانند اهمیت رعایت اخلاق پزشکی، تقوا در درمان بیماران، و حتی دعا و درمان معنوی به این علم کمک کنند. (حامدی، ۱۳۹۷)

۲- نیاز علوم انسانی-تجربی به هدایت وحی برای تعیین اهداف و ارزش‌ها

علوم انسانی-تجربی به‌ویژه در دنیای مدرن، با پیچیدگی‌ها و چالش‌هایی مواجه هستند که به هدایت و راهنمایی‌های وحیانی نیاز دارند تا از جنبه‌های اخلاقی و انسانی هدایت شوند. بدون هدایت وحی، ممکن است این علوم در جهت‌هایی پیش بروند که منافع فردی یا اجتماعی انسان‌ها را نادیده گرفته و حتی به بحران‌های اجتماعی یا اخلاقی دامن بزنند. مثال‌ها:

در علم روان‌شناسی، ممکن است برخی رویکردهای درمانی یا نظریه‌ها به دلیل اینکه هنوز به قضایای ثابت علمی تبدیل نشده‌اند، با اصول اخلاقی و معنوی اسلام مغایرت داشته باشند. در این صورت، علوم وحیانی می‌توانند به‌عنوان منبعی برای تعیین معیارهای اخلاقی و معنوی در روان‌شناسی عمل کنند.

در علم اقتصاد، ممکن است برخی نظریه‌های اقتصادی مانند سرمایه‌داری مطلق، انسان را از نظر اخلاقی و معنوی به بی‌عدالتی سوق دهد. در این زمینه، آموزه‌های دینی می‌توانند به اقتصاد کمک کنند تا به عدالت اجتماعی و فقرزدایی توجه بیشتری داشته باشد.

به‌طور کلی، وحی در اسلام برای تنظیم اهداف و ارزش‌ها در تمامی عرصه‌های انسانی و اجتماعی ضروری است. علوم انسانی-تجربی می‌توانند در ارتباط با اصول وحیانی به‌دنبال راه‌حل‌های اخلاقی و انسانی برای مسائل مختلف باشند. (مظلومی، ۱۳۹۸)

۳- نقش علوم وحیانی در معنابخشی به دستاوردهای علوم تجربی

دستاوردهای علوم تجربی، که از طریق تحقیق و آزمایش به دست می‌آید، می‌تواند دستاوردهایی سودمند برای بشر باشد، اما این دستاوردها بدون معنا و هدف‌گذاری درست ممکن است نه تنها مفید نباشند بلکه آسیب‌زا هم باشند. برای مثال، پیشرفت‌های علمی در زمینه‌های ژنتیک، بیوتکنولوژی، و نانو تکنولوژی می‌تواند در صورت استفاده نادرست، به بحران‌های اخلاقی و معنوی منتهی شود. در این جا، وحی به‌عنوان راهنما و معنابخش، می‌تواند به استفاده درست از این علوم کمک کند. مثال:

علم پزشکی در عرصه‌های درمانی می‌تواند باعث بهبود زندگی انسان‌ها شود، اما بدون معنابخشی دینی ممکن است در زمینه‌هایی مانند انسان‌های در حال مرگ، انگل‌های ژنتیکی، و جنین‌سازی در مسیرهایی قرار گیرد که با اصول اخلاقی انسانی مغایرت داشته باشد. در این‌جا آموزه‌های دینی با ارائه اصول اخلاقی می‌توانند جهت‌گیری‌های مناسبی برای استفاده از این دستاوردها فراهم کنند.

در زمینه فن‌آوری‌های نوین، توسعه علم بدون در نظر گرفتن اصول عدل، انصاف، و احترام به کرامت انسانی می‌تواند منجر به ظلم، تضییع حقوق بشر و حتی سوء استفاده‌های علمی شود. اما با هدایت‌های دینی، دستاوردهای علمی می‌تواند در راستای خدمت به بشریت و به‌ویژه در کمک به فقرا، مستضعفان و برقراری عدالت اجتماعی به کار گرفته شود. (باربور، ۱۹۹۷)

4. شواهد تاریخی از همکاری این دو حوزه در تمدن اسلامی

در تاریخ تمدن اسلامی، شاهد تعامل و همکاری علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی در زمینه‌های مختلف علمی و فلسفی بوده‌ایم. دانشمندان مسلمان مانند ابن‌سینا، فارابی، الرازی، و ابن‌هشام در ترکیب علوم تجربی با آموزه‌های دینی و فلسفی موفق بودند و آثار علمی متعددی تولید کردند.

ابن‌سینا، پزشک و فیلسوف بزرگ اسلامی، در آثار خود هم به تحلیل علوم تجربی و هم به نظریات الهی پرداخته است. کتاب‌های او مانند «قانون فی الطب» به ترکیب نظریات پزشکی با اصول اخلاقی و فلسفی پرداخته است. او تأکید داشت که علم بدون اصول اخلاقی نمی‌تواند به حقیقت کامل برسد و همواره از آموزه‌های وحیانی برای هدایت و هدف‌گذاری علم استفاده می‌کرد.

الرازی، یکی دیگر از دانشمندان مسلمان در عرصه پزشکی، در زمینه داروسازی و طب تجربی تحقیقات بسیاری انجام داد. او همواره در راستای استخراج حقیقت از عالم طبیعت با استفاده از عقل و تجربیات علمی خود بوده، ولی در عین حال به اصول وحیانی و اخلاقی توجه داشته است.

فارابی، فیلسوف اسلامی، به تبیین ارتباط میان عقل و وحی پرداخته است. او معتقد بود که عقل انسانی باید در راستای هدایت وحی قرار گیرد تا هم از طریق علوم تجربی به حقیقت دست یابد و هم از جنبه معنوی به کمال برسد.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که در تمدن اسلامی، علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی همواره به‌عنوان دو رکن مکمل یکدیگر عمل کرده‌اند و پیشرفت‌های علمی در کنار آموزه‌های دینی در خدمت انسان و جامعه قرار گرفته‌اند. (سروش، ۱۳۹۴)

در مجموع، رابطه میان علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی در اسلام به‌عنوان دو حوزه مکمل و همکاری‌کننده دیده می‌شود. علوم وحیانی به‌عنوان مبنای اخلاقی و معنوی، به هدایت علوم تجربی کمک می‌کنند تا از دستاوردهای آن در راستای رفاه

انسان و آرمان‌های دینی استفاده شود. همچنین، علوم تجربی به نوبه خود می‌توانند به شناخت دقیق‌تر از طبیعت و جوامع انسانی بپردازند و از این طریق به بهبود وضعیت انسان‌ها در زندگی مادی و معنوی کمک کنند. (حامدی، ۱۳۹۷)

تطبیق مدل دوحوزه‌ای دین با چالش‌های مدرن

در اینجا به نحوه تعامل مدل دوحوزه‌ای دین (علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی) با چالش‌های مدرن می‌پردازیم. در این چارچوب، علوم وحیانی و انسانی-تجربی، با همکاری و تکمیل یکدیگر، می‌توانند به بحران‌های معنوی و مادی ناشی از مدرنیته پاسخ دهند.

۱. چالش‌های مدرن در نگاه سکولار به علم و دین

نگاه سکولار در دوران مدرن باعث تفکیک دین از عرصه‌های مختلف علمی و اجتماعی شده است. بر این اساس: علم به‌عنوان تنها ابزار شناخت جهان معرفی می‌شود. دین صرفاً به حوزه معنوی و شخصی محدود شده و از حل مسائل اجتماعی، زیست‌محیطی، و اخلاقی کنار گذاشته شده است.

این نگاه، چالش‌های زیر را ایجاد کرده است:

الف) بحران اخلاقی:

پیشرفت‌های علمی مانند فناوری‌های زیستی، انرژی هسته‌ای، و هوش مصنوعی، بدون هدایت اخلاقی گاهی در جهت تخریب و سوءاستفاده استفاده شده‌اند.

ب) بحران معنوی:

زندگی مدرن با انتخاب تنها یک بخش از دین، انسان را به سمت بی‌معنایی و ازخودبیگانگی سوق داده است.

ج) بحران اجتماعی:

شکاف طبقاتی، بی‌عدالتی، و مصرف‌گرایی افراطی، نتیجه تسلط نگرش مادی‌گرایانه است که وحی را از معادلات اجتماعی حذف کرده است.

این چالش‌ها نشان می‌دهد که علم به‌تنهایی نمی‌تواند نیازهای همه‌جانبه انسان را پاسخ دهد. (گلشنی، ۱۳۹۵)

۲. هدایت دین در مقابله با چالش‌های مدرن

مدل دوحوزه‌ای دین، با ترکیب علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی، می‌تواند پاسخی جامع به این چالش‌ها ارائه دهد:

الف) هدایت اخلاقی علم

علوم تجربی و انسانی برای هدایت در مسیر درست، نیازمند اصول اخلاقی وحی هستند. وحی به علم جهت می‌دهد تا در خدمت بشریت قرار گیرد و از سوءاستفاده جلوگیری کند.

نمونه:

در تحقیقات ژنتیکی، ممکن است دست‌کاری ژن‌های انسانی یا شبیه‌سازی بدون توجه به کرامت انسان انجام شود. آموزه‌های وحیانی، مانند احترام به کرامت انسانی، به هدایت این علوم کمک می‌کنند.

در قرآن، اصل کرامت انسانی در آیه زیر تأکید شده است:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (سوره اسراء، آیه ۷۰)

این اصل به علوم زیستی هشدار می‌دهد که نباید کرامت انسان را قربانی اهداف مادی کنند.

ب) معنابخشی به زندگی و علم

علوم انسانی-تجربی، وقتی در چارچوب وحی قرار گیرند، می‌توانند به نیازهای معنوی انسان پاسخ دهند.

وحی، هدف نهایی زندگی را مشخص می‌کند و بحران پوچی را برطرف می‌سازد.

علوم وحیانی، با ارائه اصول معنوی، دستاوردهای علمی را از خطر بی‌هدف بودن نجات می‌دهند.

مثال:

در روان‌شناسی، وحی می‌تواند به عنوان راهنمایی معنوی، به روان‌شناسان کمک کند که به جای درمان سطحی، ریشه‌های

روحي و اخلاقی مشکلات را نیز بررسی کنند. (گلشنی، ۱۳۹۵)

۳. مثال‌های عینی از تعامل مدل دوحوزه‌ای

الف) اخلاق زیستی (Bioethics) و وحی

اخلاق زیستی به مسائلی مانند مهندسی ژنتیک، شبیه‌سازی، و فناوری‌های درمانی نوین می‌پردازد. در این زمینه، علوم

وحیانی و انسانی-تجربی باید با هم همکاری کنند:

علوم تجربی: به پیشرفت فناوری‌های زیستی و درمانی کمک می‌کنند.

علوم وحیانی: اصول اخلاقی و معنوی را برای هدایت این پیشرفت‌ها ارائه می‌دهند.

نمونه:

در بحث سقط جنین، علم می‌تواند دلایل پزشکی را بررسی کند، اما وحی مشخص می‌کند که کدام شرایط اخلاقاً قابل قبول است. (مظلومی، ۱۳۹۸)

قرآن می‌فرماید:

«وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (سوره اسراء، آیه ۳۳)

این آیه بر حرمت جان انسان تأکید دارد و راهنمایی و حیانی برای علم در حوزه اخلاق زیستی است.

ب) مسائل زیست محیطی و نقش علوم انسانی-تجربی

بحران زیست محیطی، یکی از مشکلات اصلی دوران مدرن است. مصرف‌گرایی، تخریب منابع طبیعی، و آلودگی زمین و دریا، ناشی از نبود اصول اخلاقی در استفاده از منابع است. (حامدی، ۱۳۹۷)

نقش دین:

وحی انسان را مسئول حفظ زمین می‌داند و او را به رفتار مسئولانه تشویق می‌کند.

در قرآن آمده است:

«وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (سوره اعراف، آیه ۵۶)

این آیه، بر حفظ طبیعت و مسئولیت انسان نسبت به محیط زیست تأکید دارد.

نقش علوم تجربی و انسانی:

علوم تجربی می‌توانند فناوری‌هایی برای کاهش آلودگی و حفاظت از منابع طبیعی ارائه دهند.

علوم انسانی می‌توانند با تحلیل رفتارهای اجتماعی، سیاست‌های پایدار برای مدیریت منابع پیشنهاد کنند.

ج) عدالت اجتماعی و همکاری علوم و حیانی و انسانی

بی‌عدالتی اجتماعی، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های دوران مدرن است. شکاف طبقاتی و فقر ناشی از تمرکز صرف بر منافع

مادی است. در این زمینه، علوم انسانی-تجربی و وحیانی می‌توانند با هم تعامل کنند:

نقش علوم انسانی-تجربی:

علوم انسانی به تحلیل نابرابری‌ها و ارائه سیاست‌های عادلانه می‌پردازند.

نقش علوم و حیانی:

وحی به تقویت ارزش‌های اخلاقی مانند انفاق، زکات، و برابری اجتماعی کمک می‌کند. (حامدی، ۱۳۹۸)

قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (سوره نحل، آیه ۹۰)

مثال:

در یک جامعه اسلامی، علم اقتصاد می‌تواند راهکارهایی برای کاهش فقر ارائه دهد، اما وحی می‌تواند به تنظیم انگیزه‌ها و ترویج مسئولیت‌پذیری اخلاقی برای تحقق عدالت کمک کند.

4. هم‌افزایی علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی در تمدن اسلامی

تاریخ تمدن اسلامی، نمونه‌ای از تعامل موفق این دو حوزه است. دانشمندانی مانند ابن‌سینا، فارابی، و الرازی نشان داده‌اند که چگونه علوم تجربی می‌تواند در کنار اصول وحیانی به پیشرفت‌های علمی و اخلاقی منجر شود. ابن‌سینا در آثار خود مانند «قانون فی الطب»، اخلاق پزشکی را با یافته‌های علمی ترکیب کرد. فارابی بر نیاز به هدایت فلسفه و علم توسط اصول وحیانی تأکید داشت. این هم‌افزایی در تمدن اسلامی باعث شد که علوم تجربی-انسانی و علوم وحیانی در راستای خدمت به انسان و جامعه عمل کنند. (بهشتی، ۱۳۹۸)

نقد و بررسی دیدگاه‌های مخالف

در این بخش، دیدگاه‌هایی که به تفکیک کامل دین و علم یا نگاه یک‌جانبه به این دو می‌پردازند، نقد و بررسی می‌شوند. همچنین ادعای تضاد میان وحی و عقل بررسی و ناکارآمدی جدایی مطلق علوم وحیانی و انسانی-تجربی تحلیل می‌شود.

۱. دیدگاه‌هایی که دین را صرفاً وحیانی یا صرفاً انسانی می‌دانند:

الف) دیدگاه وحی محور افراطی

این دیدگاه، دین را صرفاً بر پایه وحی می‌داند و به عقل و تجربه بشری توجهی ندارد. طرفداران این رویکرد معتقدند: همه نیازهای معرفتی انسان از طریق وحی تأمین می‌شود. علوم انسانی و تجربی ارزش چندانی در هدایت بشر ندارند.

نقد:

۱- نادیده گرفتن نقش عقل:

قرآن، انسان را به تفکر و تدبیر دعوت می‌کند. آیه:

«أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ» (سوره نساء، آیه ۸۲)

نشان می‌دهد که وحی، عقل را تکمیل می‌کند و آن را به کناری نمی‌گذارد.

۲- غفلت از دستاوردهای علمی بشر:

دستاوردهای علوم تجربی و انسانی، مانند پزشکی، فناوری، و اقتصاد، نشان داده‌اند که عقل و تجربه بشری ابزارهای مؤثری برای حل مسائل هستند.

۳- ناسازگاری با سنت دینی:

در تمدن اسلامی، عقل و وحی همواره مکمل یکدیگر بوده‌اند. دانشمندانی مانند ابن‌سینا و فارابی، از وحی به‌عنوان راهنمای عقل و علم یاد کرده‌اند. (حامدی، ۱۳۸۸)

ب) دیدگاه عقل‌محور افراطی (سکولار)

این دیدگاه، دین را صرفاً انسانی می‌داند و وحی را بی‌اعتبار یا صرفاً تاریخی تلقی می‌کند. طرفداران این رویکرد معتقدند: دین ساخته ذهن انسان است و محدود به نیازهای روانی یا اجتماعی اوست. علم و تجربه بشری کافی هستند و نیازی به وحی نداریم. نقد:

۱. نادیده گرفتن محدودیت‌های عقل و علم:

علم نمی‌تواند به سؤالات بنیادین درباره معنای زندگی، هدف نهایی، و اخلاق مطلق پاسخ دهد. آیه:

«وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (سوره اسراء، آیه ۸۵)

تأکید می‌کند که دانش انسان محدود است و نیاز به وحی دارد.

۲. بحران معنوی و اخلاقی در جوامع سکولار:

حذف وحی از زندگی انسان، باعث گسترش بحران‌های معنوی، پوچی، و بی‌اخلاقی شده است.

۳. نقش وحی در تمدن بشری:

تاریخ نشان داده است که وحی، علاوه بر معنابخشی، نقش مهمی در پیشرفت اخلاق، عدالت، و فرهنگ داشته است. (نصر، ۱۳۷۴)

۲. پاسخ به ادعای تضاد وحی با عقل و تجربه

یکی از ادعاهای رایج این است که وحی با عقل و تجربه در تضاد هستند. این ادعا، معمولاً به دو شکل مطرح می‌شود:

الف) تضاد در روش:

عقل و تجربه مبتنی بر استدلال و مشاهده است، درحالی‌که وحی بر پایه ایمان و باور است.

ب) تضاد در محتوا:

برخی می‌گویند آموزه‌های وحیانی با یافته‌های عقلی و تجربی ناسازگارند.

پاسخ:

۱- روش‌های مکمل:

وحی با عقل و تجربه، روش‌های متفاوتی دارند اما مکمل یکدیگرند:

عقل و تجربه به شناخت ویژگی‌های انسان، طبیعت و ماده و روابط مابین آنها می‌پردازد.

وحی به معنای زندگی، اخلاق، و هدایت انسان توجه دارد.

آیه:

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا» (سوره ملک، آیه ۱۵)

نشان می‌دهد که علم و شناخت طبیعت، بخشی از مأموریت انسان است.

۲. تضاد ظاهری در محتوا:

بسیاری از تضادهای ظاهری میان عقل و تجربه با وحی، ناشی از سوء تفاهم یا تفسیرهای نادرست است.

مثال: اختلاف درباره نظریه تکامل. این نظریه با خلقت در قرآن ناسازگار نیست، اگر به درستی تفسیر شود.

وحی، اصول اخلاقی و غایی را بیان می‌کند که عقل و تجربه نمی‌تواند درباره آن قضاوت کند.

۳. تعامل تاریخی:

تاریخ نشان داده است که وحی با عقل و تجربه، در بسیاری از موارد همکار بوده‌اند. دانشمندانی مانند ابن‌هیثم، ال‌کندی، و

خوارزمی از آموزه‌های وحیانی برای توسعه علوم تجربی و انسانی استفاده کرده‌اند. (حامدی، ۱۳۹۷)

۳. تحلیل ناکارآمدی تفکیک مطلق بین علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی

دیدگاهی که علوم وحیانی و انسانی-تجربی را به‌طور کامل از هم جدا می‌داند، در عمل ناکارآمد است.

الف) عدم شمول‌گرایی علوم انسانی-تجربی:

علوم انسانی-تجربی نمی‌توانند به سؤالات نهایی و غایی انسان پاسخ دهند. این علوم:

بیشتر بر جنبه‌های مادی زندگی تمرکز دارند.

در تعیین ارزش‌ها و اهداف زندگی، نیازمند راهنمایی وحی هستند.

آیه:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (سوره ذاریات، آیه ۵۶)

نشان می‌دهد که علم باید در راستای اهداف الهی هدایت شود.

ب) ضعف علوم و حیانی در پاسخ‌گویی بدون ابزار عقل و تجربه:

علوم و حیانی نیز بدون استفاده از عقل و تجربه، نمی‌توانند در حوزه‌های عملی مؤثر باشند:

وحی به‌عنوان یک نظام کلی، نیازمند ترجمه به اصول اجرایی و عینی است.

عقل و تجربه می‌توانند این اصول را در شرایط مختلف عملی کنند.

ج) شواهد تاریخی از همکاری علوم و حیانی و تجربی:

در تمدن اسلامی، تفکیک مطلق این دو حوزه وجود نداشته است:

دانشمندان مسلمان از اصول و حیانی برای پیشرفت علمی استفاده می‌کردند.

مثال: ابن سینا در کنار پزشکی و فلسفه، بر اخلاق و حیانی نیز تأکید داشت.

در این بخش نشان داده شد که دیدگاه‌های افراطی درباره وحی با عقل، چه در قالب وحی محوری و چه عقل محوری،

نتوانسته‌اند پاسخ‌های جامعی به نیازهای بشری ارائه دهند. تعامل و هم‌افزایی علوم و حیانی و انسانی-تجربی، بهترین راه برای

حل بحران‌های مدرن و معنابخشی به زندگی است. (سروش، ۱۳۹۴)

نقد دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه: دین صرفاً و حیانی نیست

برخی از متفکران و گروه‌های دینی، معرفت دینی را صرفاً بر پایه‌ی وحی تعریف کرده و نقش عقل و تجربه را در فهم دین نادیده

می‌گیرند. این دیدگاه که دین را تنها در حوزه‌ی علوم و حیانی محدود می‌کند، نگاهی تقلیل‌گرایانه به دین است و در ابعاد

مختلف با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌شود. در این بخش، به بررسی این دیدگاه و نقد آن بر اساس مبانی عقلی، دینی و

تاریخی پرداخته می‌شود.

۱. نادیده گرفتن نقش عقل و تجربه در دین

دیدگاه تقلیل گرایانه، وحی را تنها منبع معتبر معرفت دینی می‌داند و معتقد است که عقل و تجربه‌ی بشری در امور دینی یا بی‌ارزش هستند، یا ممکن است موجب انحراف شوند. این طرز فکر با اشکالاتی جدی روبه‌رو است.

الف) جایگاه عقل در متون دینی

بسیاری از آیات قرآن انسان را به تفکر، تعقل و تدبیر دعوت کرده‌اند:

«أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (آیا تعقل نمی‌کنید؟)

«لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (شاید تفکر کنید)

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (در این [آیات] نشانه‌هایی برای اهل عقل است)

در آموزه‌های اسلامی، عقل به عنوان حجت باطنی معرفی شده است، یعنی عقل ابزاری الهی برای هدایت انسان محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را کنار گذاشت.

ب) وحی نیازمند تفسیر عقلانی است

بدون عقل، فهم صحیح وحی و استنباط احکام دینی ممکن نیست.

تفاسیر مختلف از متون دینی نشان می‌دهند که عقل نقشی اساسی در فهم دین دارد.

ج) تجربه‌ی بشری، مکمل معرفت و حیانی است

تجربه، به انسان امکان می‌دهد که قوانین طبیعت و جامعه را بشناسد و آن‌ها را در مسیر اهداف دینی به صورت عام به کار گیرد.

در علوم فقهی، پزشکی، اقتصاد و سیاست، بسیاری از دستاوردها حاصل ترکیب وحی با تجربه‌ی بشری است.

۲. محدودیت‌های این دیدگاه در پاسخ به مسائل جدید

تقلیل دین به وحی و کنار گذاشتن عقل و تجربه باعث می‌شود که دین نتواند پاسخی مناسب به تحولات جدید بدهد.

الف) ظهور مسائل جدید که در نصوص دینی تصریح نشده‌اند

بسیاری از موضوعات امروزی (مانند اخلاق زیستی، هوش مصنوعی، تغییرات اقلیمی) در متون و حیانی به طور مستقیم مطرح نشده‌اند.

عقل و تجربه باید به عنوان ابزارهای فهم دین، به استنباط احکام در این حوزه‌ها کمک کنند.

ب) ایجاد جمود فکری در جوامع دینی

این دیدگاه باعث می‌شود که دین با تعریف تقلیل گرایانه نتواند همگام با پیشرفت علم و فناوری حرکت کند.

نادیده گرفتن تجربه‌ی بشری، باعث می‌شود که جوامع دینی در حل مشکلات اجتماعی و علمی دچار عقب ماندگی شوند.

ج) تأثیرات منفی بر نگاه جهانی به دین

عدم انعطاف در برابر دانش بشری، باعث می‌شود که دین به عنوان یک نظام بسته و غیرقابل تطبیق با دنیای مدرن دیده شود. این دیدگاه به رشد سکولاریسم کمک می‌کند، زیرا مردم احساس می‌کنند که دین پاسخگوی نیازهای جدید آنها نیست.

۳. تضاد این نگاه با تاریخ تمدن اسلامی و نقش عقل و تجربه در پیشرفت علوم

بر خلاف دیدگاه تقلیل‌گرایانه، تاریخ تمدن اسلامی نشان می‌دهد که تعامل میان وحی، عقل و تجربه، نقش اساسی در شکوفایی علمی و فلسفی مسلمانان داشته است.

الف) دانشمندان مسلمان و ترکیب وحی با عقل و تجربه

فارابی در آثار خود، وحی را در کنار فلسفه‌ی عقلی قرار داده و تأکید دارد که عقل مکمل وحی است.

ابن سینا فلسفه و پزشکی را بر اساس روش‌های تجربی و عقلی توسعه داد، در حالی که مبانی و حیانی را نیز پذیرفته بود.

خواجه نصیرالدین طوسی در علم نجوم، ریاضیات و فلسفه، به شدت از تجربه و عقل بهره گرفت.

ب) توسعه‌ی علوم طبیعی در تمدن اسلامی

مسلمانان در حوزه‌هایی مانند پزشکی، فیزیک، ریاضیات و نجوم، پیشرفت‌های چشمگیری داشتند که بدون بهره‌گیری از عقل و تجربه ممکن نبود.

این پیشرفت‌ها با تأکید بر وحی به عنوان راهنمای کلی، و استفاده از عقل و تجربه در جزئیات همراه بود.

ج) نقش فلسفه‌ی اسلامی در اثبات هماهنگی وحی و عقل

ابن رشد استدلال می‌کرد که تعارضی بین وحی و عقل وجود ندارد و هر دو از سوی خداوند برای هدایت انسان داده شده‌اند.

ملاصدرا در فلسفه‌ی صدرایی، نظریه‌ی "حرکت جوهری" را مطرح کرد که تلفیقی از مبانی و حیانی و تفکر عقلی بود.

(حامدی، ۱۳۹۷)

دلایل عقلی و نقلی که اثبات می‌کند دین شامل دو حوزه‌ی علوم و حیانی و علوم

تجربی-انسانی (قواعد موجود در جهان آفرینش) می‌باشد (تنها با ذکر شماره آیات):

۱- قبل از خلق انسان، جهان آفرینش در شش مرحله زمانی طولانی، برای حضور مهمانی عزیز و گرانقدر (انسان که جانشین

خداوند است)، خلق و آماده گردید که از این شش مرحله، چهار بخش آن مربوط به تهیه‌ی امکانات زندگی انسان بود. (سوره

فصلت، آیه آیات ۱۰ تا ۱۲)، (سوره البقرة، آیه ۳۰)، (سوره الأعراف، آیه ۵۴)

۲- آفرینش انسان به دو صورت بود:

الف: حالت جسمی و مادی

ب: حالت روحی و روانی (سوره مؤمنون، آیات ۱۲ تا ۱۴)، (سوره الحجر، آیات ۲۸ و ۲۹)

۳- خداوند برای رفع نیازهای مادی انسان، جهان آفرینش را خلق نمود و آن را در اختیار انسان قرار داد و برایش مسخر و رام نمود. (سوره لقمان، آیه ۲۰)، (سوره البقرة آیه ۲۹)

۴- خداوند برای رفع نیازهای روحی انسان، وحی را برایش فرستاد. (سوره الإنسان، آیات ۲ و ۳)

۵- خداوند جهان آفرینش و انسان را هدفمند آفرید و آنها را بازپچه قرار نداده است. (سوره الأنبياء، آیه ۱۶)

۶- همه‌ی جهان آفرینش یک دستگاه واحد است. (سوره الحديد، آیه ۱)، (سوره الأنبياء، آیه ۲۲)، (سوره الأنبياء، آیات ۳۲ و ۳۳)

۷- دین عبارت است از برنامه‌ای از جانب خداوند برای درست استفاده کردن انسان از نعمات مادی و معنوی جهان آفرینش، در راستای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی انسان. (سوره انعام، آیات ۱۶۲ و ۱۶۳)، (سوره التكاثر، آیه ۸)

۸- چون زندگی انسان بدون استفاده از علوم تجربی- انسانی ممکن نیست، لذا باید به نحوی از آنها استفاده نمود که مثر ثمر باشند. یا بر طبق امیال و اهواء انسان و عقل محدود در مکان و زمان، یا بر طبق فرمان خدا؛ که فرمان خدا برای استفاده از نعمات جهان آفرینش با تمام جزئیاتش در وحی نیامده و غیر از بیان اصولی کلی، بدان نپرداخته است و آن را به دانشمندان علوم تجربی- انسانی سپرده است. در اینجا یا باید از طریق شناخت قوانین حاکم خدایی بر جهان آفرینش از آنها استفاده نمود که این راه توحید و مورد پسند خداوند است و یا باید از طریق اهواء بشری از آنها استفاده نمود که این همان شرکی است که به شدت از آن نهی شده‌ایم. همچنین همه‌ی افراد بشر این قاعده‌ی مسلم و متقن را پذیرفته‌اند که هر کس خالق چیزی باشد تنها او نسبت به مخلوق مُحق است و باید برنامه‌ی استفاده از آن را تعیین نماید. چون خداوند خالق جهان آفرینش است، پس باید برای استفاده از آن، تنها از خداوند پیروی نمود. (سوره الأعراف، آیه ۵۴) (سوره الملک، آیه ۱۴)

۹- خداوند از انسان خواسته است که از فرمانش در هر دو حوزه از دین (علوم و حیانی و علوم تجربی- انسانی) بدون تخلف فرمانبرداری کند و نافرمانی در هر کدام از آن دو حوزه را شرک نامیده است. (سوره البقرة، قسمتی از آیه ۸۵)، (سوره انعام، آیات ۱۶۲ و ۱۶۳)، (سوره لقمان، آیه ۲۰)، (سوره البقرة، آیه ۲۰۵)

۱۰- رابطه‌ی جهان آفرینش و انسان را می‌توان در دو حوزه بررسی کرد:

الف: نیازهای مادیش را تأمین می‌کند.

ب: آیه و نشانه‌ای است برای دریافت جهان‌بینی حق. (سوره آل عمران، آیات ۱۹۰ و ۱۹۱) (سوره البقرة، آیه ۲۹)

- ۱۱- استفاده‌ی غیرخدایی از نعمات خداوند، زندگی ناآرامی را به انسان می‌دهد و در صورت استفاده با فرمان خدا زندگی سعادت‌مندی برای انسان تأمین می‌شود. (سوره طه، آیات ۱۲۳ و ۱۲۴)، (سوره یونس، آیات ۶۲ تا ۶۴)
- ۱۲- جانشینی خداوند از جانب انسان ممکن نیست مگر اینکه خداوند نحوه‌ی استفاده از جهان آفرینش را برای جانشینش مشخص کند که آن را مسکوت گذاشته و چند و چون آن را با تمام جزئیاتش مشخص ننموده و آن را به متخصصین مربوطه سپرده است. (سوره البقرة، آیه ۳۰) (سوره النحل، آیه ۴۳)
- ۱۳- الوهیت خداوند مشمول آسمان و زمین و تمام اهالی آن می‌شود. (سوره الزخرف، آیه ۸۴)
- ۱۴- وظیفه‌ی اصلی انسان، عمران و آبادانی زمین است و این کار مهم بدون بهره‌گیری از علوم تجربی و انسانی ناممکن است. (سوره هود، آیه ۶۱)
- ۱۵- وظیفه‌ی اصلی انبیاء الهی اجرای نظام قسط و عدل در میان انسان‌ها است و این کار مهم، بدون حضور حکومت اسلامی ناممکن است و البته حکومت اسلامی هم بدون حضور متخصصین علوم تجربی-انسانی [هیئت وزیران متخصص و متعهد]، تحقق نمی‌یابد. (سوره الحديد، آیه ۲۵)
- ۱۶- آسمان‌ها و زمین به عنوان خادم انسان معرفی شده‌اند و استخدام آنها ممکن نیست مگر از طریق علوم تجربی-انسانی. (سوره لقمان، آیه ۲۰)، (سوره الاسراء، آیه ۷۰)
- ۱۷- رزق و روزی انسان که مایه ادامه‌ی حیاتش است می‌باشد در آسمان است. (سوره الذاریات، آیه ۲۲)
- ۱۸- تخلف انسان در بندگی خدا موجب قطع باران و نعمات است و تداوم بر بندگی خدا، موجب آسمان باران‌زا و رشد باغها و امداد با مال و اولاد است. (سوره نوح، آیات ۱۰ تا ۱۲)
- ۱۹- بهشت و جهنمی که انسان‌ها در جهان آخرت بدان نایل می‌شوند جزئی از اجزای دین (حوزه پاداش و جزا) است. (سوره البینة، آیات ۶ تا ۸)
- ۲۰- بدون وجود سلامت جسمی و روانی، بندگی خدا تحقق نمی‌یابد که تحقق این دو امر تنها در گرو استفاده‌ی تخصصی از دو حوزه‌ی کاری پزشکان و روانکاوان میسر است که در حیطه‌ی علوم تجربی-انسانی است.
- ۲۱- خدمت به انسان‌ها که از وظایف ماست، بدون بهره‌گیری از محصولات علوم تجربی و انسانی میسر نمی‌باشد. (سوره الانبیاء، آیه ۱۰۷)
- ۲۲- مبنای اصلی دینداری و حکمت و همچنین فلسفه‌ی اطاعت از خداوند خصوصاً متخصصین، جلب مصالح و منافع مادی و معنوی انسان در دنیا و آخرت و دفع مُضَرَّات و مفسد مادی و معنوی انسان در دنیا و آخرت است. به عبارت دیگر حرام‌ها همان مضرات و مفسد هستند و حلال‌ها همان مفیدها و مصالح هستند. در صورتی که استفاده از نعمت‌های جهان آفرینش بر اساس جهل و هوا باشد، باعث ایجاد مضرات و مفسد در زندگی انسان خواهد شد، در غیر اینصورت موجب تولید

منافع و مصالح خواهد شد. پس چون نمی‌توان خود را از استفاده‌ی نعمات جهان آفرینش فارغ و بی‌نیاز نمود، بلکه انجام این کار نیمی از زندگی ما را تشکیل می‌دهد (تأمین مصالح مادی و جسمی انسان)، اطاعت از متخصصین حوزه‌ی علوم تجربی-انسانی نیز حوزه‌ای دیگر از دین خدا محسوب می‌شود و اطاعت از آنها بر ما واجب است و دین خدا نمی‌تواند مدعی سعادت دنیوی و اخروی انسان باشد؛ مگر اینکه این قسمت از زندگی انسان را نیز مدیریت نماید. (سوره الإسراء، آیه ۳۶)، (سوره الأعراف، آیات ۳۱ تا ۳۳)، (سوره طه، آیه ۱۲۳ تا ۱۲۴)، (سوره النحل، آیه ۴۳)، (سوره المؤمنون، آیه ۷۱)، (سوره الحديد، آیه ۲۵) (سوره العنکبوت، آیه ۶) (حامدی، ۱۳۹۷)

در نهایت چون قوانین حاکم بر جهان آفرینش همانند خلق آنها، کار خداوند است؛ کار دانشمندان حوزه‌ی علوم تجربی-انسانی نیز فقط کشف و خواندن همان قوانین خدایی است، بنابراین نحوه‌ی استفاده از آنها نیز بر اساس احاطه‌ی علمی بر قوانین خدایی است. لذا این حوزه نیز در حیطه‌ی دین خداوند است و همانند حوزه‌ی وحی کار خداوند است و تنها تخلفی که در اینجا ممکن است دانشمندان حوزه‌ی علوم تجربی-انسانی انجام بدهند این است که بر اساس اهواء خود و عقل تنها از آنها استفاده کنند. بدین خاطر رابطه‌ی دو حوزه‌ی وحی و علوم تجربی-انسانی این است که فرامین صادره از هر دو گروه بایستی با وحی الهی سنجیده شود تا خودخواهی‌های بشر مهار شود و هر دو گروه در راستای سعادت دنیوی و اخروی بشر به انجام وظایفشان بپردازند. (حامدی، ۱۳۹۷)

ویژگی‌های تقسیم قدرت قدرت و دولت در اسلام با توجه به مدیریت علوم و حیانی و علوم تجربی-انسانی

اسلام در زمره‌ی ادیانی قرار می‌گیرد که مدعی تأمین سعادت مادی و معنوی نظام‌مند برای بشر بوده و در این راستا، مکانیزمی را مقرر داشته که به صورت جامع و مانع در صدد تحقق این امر حیاتی می‌باشد. در ابتدا انسان را دارای رسالتی بزرگ می‌داند که از طریق آن می‌توان به همه‌ی خواسته‌های بشر نایل شد. که عبارت است از تأمین نظام قسط و عدل برای بشر.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (سوره الحديد، آیه ۲۵)

تحقق این امر سرنوشت ساز ممکن نیست مگر از طریق نظام تربیتی جامع و مانع که از تربیت همه جانبه‌ی فردی آغاز و به دنبال آن خانواده‌ای سازگار و هدفمند را ایجاد و در نهایت با تربیت امت اسلامی متخصص و متعهد جامعه‌ای توانمند را آماده نموده تا از این طریق پایه‌های اصلی مدیریت همگانی زندگی بشر را تأمین نموده و اجرای آن را بر عهده بگیرد. زیرا این امر بر

همگان واضح است که بدون تربیت همه جانبه نیروی انسانی متخصص و متعهد هیچ کدام از امور فردی و اجتماعی بشر مدیریت نخواهد شد. که برای تحقق این امر لازم است این امر مهم را لحاظ نمود که انجام امورات فردی و اجتماعی بشر منجر به سعادت نخواهد شد مگر از طریق برنامه‌ریزی منظم و هدفمند و پرهیز از هرج و مرج. البته این امر از بديهيات است که انجام امور مادی و معنوی بشر ممکن نخواهد بود مگر اینکه با آماده‌سازی اسباب لازم، قدرت و نیروی کافی را بدست آورد. که این امر در ابتدا از امور شخصی آغاز شده و سرانجام به حکومت و دولت به صورت مدرن منتهی خواهد شد.

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ ... (سوره الأنفال، قسمتی از آیه ۶۰)

ضمناً مدیریت شایسته‌ی زندگی اجتماعی بشر ممکن نخواهد بود مگر از طریق قدرت سیاسی صالح و توانمند، که قادر به اجرای پروژه‌های عمومی جامعه و دفاع از آن باشد.

(سوره انفال، آیه ۶۱)

یکی از امور اساسی برای تحقق قدرت سالم و دولت توانمند و عادل این است که انسان‌ها آزادانه و آگاهانه با مهم‌ترین ابزار سعادت بشر آشنا شده و از طریق آن به اهداف مورد نظر نایل شوند که عبارت است از دین جامع و مانع الهی، تا بدین وسیله با رسالت خویش بر روی زمین آشنا شده و در راستای تحقق آن مجدانه بکوشند که با عنایت به گستردگی زندگی بشر در دو حوزه‌ی جداگانه معرفی شده است:

۱- حوزه‌ی علوم و حیانی:

که رسالتش معرفی جهان‌بینی، ایدئولوژی، اخلاق فاضله و ردیله، شریعت و هدف از آفرینش انسان در دو جهان و سرانجام بشر خواهد بود.

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى (سوره طه، آیه ۱۲۳)

۲- علوم تجربی و انسانی:

که رسالتش شناخت قوانین حاکم بر جهان آفرینش و انسان و تهیه‌ی امکانات فنی و صنعتی زندگی بشر و مدیریت تخصصی حیات فردی و اجتماعی زندگی انسان از جمله دولت مدرن است.

وَالِیْ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ ۖ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ (سوره هود، آیه ۶۱)

بر این اساس باید گفت که حکومت و دولت اسلامی ممکن نخواهد بود مگر با مدیریت متخصصین علوم تجربی و انسانی و علوم و حیانی. به این ترتیب که امور تخصصی دولت از طریق کارشناسان علوم تجربی و انسانی و امور مربوط به تربیت نیروی انسانی متعهد از طریق کارشناسان علوم و حیانی اداره می‌شود. لذا هرگز به تنهایی و با یکی از آن دو حوزه نمی‌توان دولت

خدمت‌گذار را ایجاد نمود بلکه بایستی متخصصین و مدیران هر دو حوزه به صورت همزمان در اداره‌ی جامعه حضور داشته تا به همه‌ی نیازهای مادی و معنوی بشر رسیدگی نمود.

با عنایت به این امر که انسان دارای استعدادهای مثبت و منفی است، قدرت و دولت نیز به دو صورت مضر و سودمند ظاهر خواهد شد. لذا هرگز بدون تربیت فکری و اخلاقی بشر نمی‌توان مدعی مدیریت سعادت‌بخش بشر شد. به عبارتی دیگر قدرت و دولت، بدون تربیت همه جانبه‌ی انسان منجر به فساد خواهد شد.

بنابراین برای جلوگیری از فساد قدرت و دولت لازم است که نیروهای مضر موجود در درون انسان را از طریق تربیت دینی تبدیل به نیروهای مفید و سازنده نمود و با حاکمیت شورا سالاری بر همه‌ی امور اجتماعی بشر قدرت حاکمه را از فساد و ظلم باز داشت. (حامدی، ۱۳۹۷)

پیشینه تحقیق

- ۱- باربور (۱۹۹۷) در کتاب «علم و دین: تضاد یا یکپارچگی»، ایان باربور، انتشارات Harper One
- ۲- نصر (۱۳۷۴) در کتاب «علم و تمدن در اسلام»، سید حسین نصر، انتشارات. The Islamic Texts Society
- ۳- هات (۲۰۰۴) در کتاب «خدا و تکامل»، جان هات، انتشارات. Oxford University Press
- ۴- مظلومی (۱۳۹۸) در مقاله «نقش وحی در هدایت علوم انسانی»، رجبعلی مظلومی، فصلنامه علوم انسانی اسلامی، شماره ۲۴.
- ۵- بهشتی (۱۳۹۷) در مقاله «وحی و عقل در نظام معرفتی اسلامی»، محمدباقر بهشتی، نشریه پژوهش‌های اسلامی، شماره ۵۲.
- ۶- گلشنی (۱۳۹۵) در مقاله «علم و دین: تبیین نقش مکمل»، مهدی گلشنی، نشریه پژوهش‌های فلسفی و دینی، شماره ۱۸.
- ۷- پارسانیا (۱۴۰۰) در مقاله «علوم انسانی اسلامی؛ مبانی و اصول»، حمید پارسانیا، نشریه علوم انسانی اسلامی، شماره ۴۳.
- ۸- دورانت (۲۰۰۵) در کتاب «تاریخ تمدن»، ویل دورانت، انتشارات Simon & Schuster
- ۹- سروش (۱۳۹۴) در مقاله «علم و دین؛ از تقابل تا تعامل»، عبدالکریم سروش، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۱۰.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله تحلیلی-توصیفی است و به طور مشخص بر مطالعات کتابخانه‌ای مبتنی است. جزئیات روش به شرح زیر است:

نوع تحقیق:

ماهیت تحقیق: نظری و بنیادی
این تحقیق درصدد تبیین نظری رابطه علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی است و جنبه‌ای بنیادی دارد.

هدف تحقیق:

شناخت ابعاد معرفتی دین و ارائه چارچوبی برای تعامل آن با علوم انسانی-تجربی.

روش گردآوری اطلاعات:

مطالعات کتابخانه‌ای:
داده‌ها و اطلاعات تحقیق از منابع مکتوب شامل کتاب‌ها، مقالات علمی، متون قرآنی و حدیثی گردآوری شده است.
تحلیل اسنادی:
بررسی و تحلیل متون تاریخی و دینی برای تبیین نقش وحی و عقل در نظام معرفتی دین.

روش تحلیل:

روش تحلیلی-توصیفی:
توصیف مفاهیم مرتبط با علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی.
تحلیل نحوه تعامل این دو حوزه در نظام معرفتی دین.
نقد و ارزیابی دیدگاه‌های مخالف در باب رابطه علم و دین.

رویکرد تحقیق:

بین‌رشته‌ای:
این تحقیق از روش‌های دین‌شناسی، علوم انسانی، و فلسفه علم بهره گرفته است.

ترکیبی:

استفاده از رویکرد وحیانی و تجربی برای بررسی نقش دین در هدایت علوم انسانی و تجربی.

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل تمام منابع معتبر مکتوب و متون دینی مرتبط است که به بررسی رابطه علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی پرداخته‌اند.

حجم نمونه

دین به عنوان نظام جامع معرفتی: تبیین دو حوزه علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی

ابزار گردآوری و اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری و تحلیلی آن، ابزارهای زیر به کار گرفته شده‌اند:

۱- فیش برداری

شرح: اطلاعات از متون دینی، مقالات علمی، و کتاب‌ها استخراج شده و به صورت نظام‌مند ثبت شده است. کاربرد: استفاده برای دسته‌بندی و تحلیل آیات قرآنی، احادیث، و نظریات علمی.

۲- مطالعات کتابخانه‌ای

شرح: استفاده از کتابخانه‌های فیزیکی و دیجیتال برای دسترسی به منابع. کاربرد: استخراج اطلاعات از کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، و متون تاریخی.

۳- تحلیل محتوای کیفی

شرح: تحلیل متون به منظور شناسایی مفاهیم کلیدی مانند وحی، عقل، تجربه، و علوم انسانی. کاربرد: درک روابط میان مفاهیم و استخراج الگوهای تکرارپذیر در متون مختلف.

۴- بانک‌های اطلاعاتی آنلاین

شرح: استفاده از پایگاه‌های علمی معتبر مانند سیویلیکا، نورمگز، SID، و Google Scholar. کاربرد: گردآوری مقالات و پژوهش‌های معاصر مرتبط با موضوع.

۵- تفاسیر قرآن و کتب حدیثی

شرح: استفاده از تفاسیر قرآن مانند آسان، فی ضلال، نور، نمونه، المیزان، و کتب حدیثی مانند صحاح سته. کاربرد: برای گردآوری داده‌های وحیانی مرتبط با علوم انسانی-تجربی.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

- ۱- بررسی تطبیقی نظام معرفتی دینی و نظام معرفتی سکولار (تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های مبانی وحیانی و عقلانی در نظام‌های معرفتی دینی و سکولار).
- ۲- نقش وحی در علوم بین‌رشته‌ای
- مطالعه تأثیر آموزه‌های وحیانی بر علوم بین‌رشته‌ای مانند اخلاق زیستی (Bioethics) یا هوش مصنوعی از منظر دینی.
- ۳- کاربرد علوم انسانی اسلامی در حل بحران‌های اجتماعی مدرن (پژوهشی برای ارائه راهکارهای عملی مبتنی بر علوم انسانی اسلامی در موضوعاتی مانند عدالت اجتماعی، زیست‌محیطی، و خانواده).
- ۴- تحلیل تاریخی رابطه علم و دین در تمدن‌های غیر اسلامی (مقایسه تأثیر وحی و عقل در توسعه علوم انسانی و تجربی در تمدن‌های مسیحی، یهودی، و اسلامی).
- ۵- چالش‌های علوم انسانی-تجربی در مواجهه با آموزه‌های دینی (بررسی چالش‌ها و محدودیت‌های علمی که علوم انسانی-تجربی بدون هدایت وحی با آن‌ها مواجه هستند).
- ۶- بازنگری در روش‌شناسی پژوهش‌های دینی و علمی (طراحی روش‌شناسی جدیدی که بر تعامل میان وحی، عقل، و تجربه تأکید کند و قابل کاربرد در علوم مختلف باشد).
- ۷- مطالعه موردی در نظام آموزشی کشورهای اسلامی (بررسی نقش علوم وحیانی در هدایت علوم انسانی و تجربی در نظام‌های آموزشی کشورهای اسلامی).
- ۸- رابطه علوم وحیانی با علوم طبیعی (فیزیک، زیست‌شناسی و شیمی). پژوهشی که به بررسی امکان ارائه چارچوب معرفتی دینی برای هدایت علوم طبیعی بپردازد.
- ۹- تحلیل نقش دین در هدایت پژوهش‌های علوم پزشکی (بررسی نقش آموزه‌های وحیانی در هدایت مسائل اخلاقی، معنوی و انسانی در حوزه پزشکی).
- ۱۰- بررسی مدل‌های دینی برای توسعه پایدار (تحلیل دیدگاه‌های دینی در زمینه توسعه پایدار و ارتباط آن با علوم انسانی-تجربی در حل بحران‌های زیست‌محیطی).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، دین به عنوان یک نظام جامع معرفتی که دارای دو حوزه اصلی علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی است، مورد تحلیل قرار گرفت. این رویکرد نشان داد که دین نه تنها در پاسخ به نیازهای معنوی و اخلاقی انسان نقشی اساسی ایفا می‌کند، بلکه می‌تواند با به رسمیت شناختن علوم تجربی و انسانی به عنوان حوزه‌ی دیگر دین، چارچوبی برای تحقق عدالت اجتماعی، حل بحران‌های مدرن و ارائه معنا به زندگی بشری ارائه دهد.

علوم وحیانی که مبتنی بر وحی و ارتباط با غیب هستند، نقش مهمی در تبیین مبانی اخلاقی، معنوی و متافیزیکی دارند. این علوم، هدف نهایی خلقت و جایگاه انسان در نظام هستی را روشن کرده و راهنمای انسان در مسیر هدایت فردی و اجتماعی هستند. در مقابل، علوم انسانی-تجربی که بر مبنای عقل و تجربه عمل می‌کنند، نقش حیاتی در شناخت طبیعت، انسان و جامعه ایفا کرده و پاسخگوی نیازهای مادی و اجتماعی بشر هستند. این دو حوزه، با وجود تفاوت در مبانی، مکمل یکدیگر بوده و تعامل آن‌ها می‌تواند به ایجاد یک نظام معرفتی یکپارچه منجر شود.

تحلیل رابطه این دو حوزه نشان داد که انسان بدون استفاده از هر دو حوزه دین، در تعیین اهداف، ارزش‌ها و ارائه معنای عمیق به دستاوردهای خود دچار کاستی می‌شود. با تعریف دین به دو حوزه علوم وحیانی و علوم تجربی-انسانی در حقیقت تمام ابعاد زندگی انسان را تحت پوشش قرار می‌دهیم و قوانین جهان آفرینش که علوم تجربی و انسانی به دنبال کشف آنها هستند را هم تراز با آیات قرآن قرار داده و آن را به عنوان یکی دیگر از آیات خداوند در زندگی به رسمیت شناخته و از آن تبعیت می‌کنیم. البته در علوم انسانی و تجربی باید نظریه را از قضیه تفکیک نمود و برای اینکه به دام نظریات و فرضیه‌های علوم نشویم باید از علوم وحیانی مدد بگیریم که از سرچشمه پاک باری تعالی به صورت مستقیم برای هدایت انسان فرو فرستاده شده است. علوم وحیانی با ارائه معیارهای اخلاقی و معنوی، نه تنها دستاوردهای علوم تجربی را در خدمت انسانیت قرار می‌دهند، بلکه از افتادن این علوم به ورطه نسبی‌گرایی، بی‌هدفی و بی‌عدالتی جلوگیری می‌کنند. شواهد تاریخی تمدن اسلامی نیز تأیید می‌کند که تعامل سازنده میان این دو حوزه در دوران طلایی اسلام، به پیشرفت‌های چشمگیری در علوم و تمدن بشری منجر شده است.

در مواجهه با چالش‌های مدرن مانند بحران‌های زیست‌محیطی، مسائل اخلاقی در علم و فناوری، و عدالت اجتماعی، رویکرد دینی به عنوان یک نظام جامع معرفتی اثبات کرده است که می‌تواند راه‌حل‌هایی عمیق و کارآمد ارائه دهد.

برای مثال، در اخلاق زیستی (Bioethics)، وحی نقش راهنما در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی دارد و در مسائل زیست‌محیطی، آموزه‌های دینی بر مسئولیت انسان در قبال طبیعت تأکید می‌کنند. همچنین، عدالت اجتماعی تنها زمانی به درستی محقق می‌شود که علوم انسانی و تجربی تحت هدایت معیارهای اخلاقی و ارزشی وحی عمل کنند.

در نهایت، هر گونه تلاش برای تفکیک مطلق میان علوم وحیانی و علوم انسانی-تجربی نه تنها ناکارآمدی خود را نشان داده است، بلکه منجر به بحران‌های فکری و عملی نیز شده است. تعامل این دو حوزه در چارچوبی هماهنگ و مکمل، نه تنها به

درک عمیق‌تر از جهان و انسان می‌انجامد، بلکه به توسعه پایدار و تحقق عدالت در جوامع انسانی کمک شایانی می‌کند. این نتیجه‌گیری بر ضرورت توجه به نقش دین به‌عنوان نظامی جامع که هر دو بُعد وحیانی و عقلانی را در بر می‌گیرد، تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که دین می‌تواند چراغ راهنمایی برای هدایت علوم انسانی-تجربی و پاسخ به نیازهای مادی و معنوی بشر باشد.

تشکر و قدردانی

در پایان این مقاله، بر خود لازم می‌دانم تا از استاد بزرگوار، جناب آقای محمد حامدی، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم. افتخار شاگردی ایشان را داشته‌ام و در طول مسیر تحقیقاتی و علمی‌ام، از آموزه‌ها و راهنمایی‌های ارزشمند ایشان بهره‌مند شده‌ام. ایشان با اندیشه‌های عمیق و ژرف، همیشه چراغ راه ما بوده‌اند و درک بهتری از ارتباط علم و دین را برای ما میسر ساختند. سخنان و نوشته‌های ایشان همواره منبعی از الهام و اندیشه‌های نو بوده است و من از تمامی آموزش‌های ایشان قدردانی می‌کنم. امیدوارم که این مقاله توانسته باشد اندکی از آموزه‌های ایشان را منعکس کند و در مسیر علم و تحقیق و ادای دین به ایشان، گامی کوچک برداشته باشم.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- حامدی، محمد. (۱۳۸۶). انسان در جستجوی خوشبختی: مقایسه‌ی دیدگاه قرآنی و بشری. نشر احسان.
- ۳- حامدی، محمد. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی مفاهیم دینی. نشر احسان.
- ۴- حامدی، محمد. (۱۳۹۰). چرا؟ معامله با خداوند. نشر آراس.
- ۵- حامدی، محمد. (۱۳۹۷). نگاهی بر انسان‌شناسی قرآنی. نشر واتا.
- ۶- حامدی، محمد. (۱۳۹۸). رویارویی دین با چالش‌های معاصر. نشر نالای پروناکی.
- ۷- باربور، ایان. (۱۹۹۷). علم و دین: تضاد یا یکپارچگی. انتشارات HarperOne.
- ۸- نصر، سید حسین. (۱۳۷۴). علم و تمدن در اسلام. انتشارات The Islamic Texts Society.
- ۹- هات، جان. (۲۰۰۴). خدا و تکامل. انتشارات Oxford University Press.
- ۱۰- مظلومی، رجبعلی. (۱۳۹۸). «نقش وحی در هدایت علوم انسانی». فصلنامه علوم انسانی اسلامی، شماره ۲۴.
- ۱۱- بهشتی، محمدباقر. (۱۳۹۷). «وحی و عقل در نظام معرفتی اسلامی». نشریه پژوهش‌های اسلامی، شماره ۵۲.

- ۱۲- گلشنی، مهدی. (۱۳۹۵). «علم و دین: تبیین نقش مکمل». نشریه پژوهش‌های فلسفی و دینی، شماره ۱۸.
- ۱۳- پارسانیا، حمید. (۱۴۰۰). «علوم انسانی اسلامی؛ مبانی و اصول». نشریه علوم انسانی اسلامی، شماره ۴۳.
- ۱۴- دورانت، ویل. (۲۰۰۵). تاریخ تمدن. انتشارات. Simon & Schuster
- ۱۵- سروش، عبدالکریم. (۱۳۹۴). «علم و دین؛ از تقابل تا تعامل». فصلنامه نقد و نظر، شماره ۱۰.